اطلاعات روز

دوشنبه | ۷ میزان ۱۳۹۹ | سال نهم | شماره ۱۹۹۱

www.etilaatroz.com

Monday | 28 September 2020 | Year 09 | Print 1991

عبدالله در رأس یک هیأت دولتی امروز به پاکستان می‌رود

۲

۶

ترمپ، ایمی کُنی برت را برای تصدی پست قاضی دیوان عالی امریکا معرفی کرد

اطلاعات روز: دونالد ترمپ، رییس‌جمهوری امریکا، روز شنبه ایمی کُنی برت، را...

۶

هشدار درباره آب آلوده به میکروب «مغزخوار» در تگزاس

۷

کلوپ:
آرسنال قوی‌تر از آن است که تیم هشتم لیگ باشد

۷

تحریک کردن منچستریونایتد عاقبت ندارد

۵ بازیکنی که یونایتد را مسخره کردند و پشیمان شدند

نیل موپای بازیکن برایتون بعد از آنکه گل اول تیمش را به منچستریونایتد...

وزارت صحت خواهان همکاری طرف‌های جنگ برای مقابله با شیوع ویروس پولیو شد

اطلاعات روز: همزمان با افزایش موارد مثبت ویروس پولیو (فلج کودکان) در کشور، وزارت صحت عامه برای مقابله با شیوع این ویروس خواهان همکاری جناح‌های جنگ شده است...

صفحه ۲

«هیچ‌نوع محدودیتی در مورد حقوق زنان پذیرفتنی نیست»

گفت‌وگوی شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر با بصیر احمد دانشیار، فعال مدنی و استاد دانشگاه

صفحه ۳

آداب مخالفت کردن | طنز

صفحه ۵

افتتاح پروژه‌ی اضطراری زراعت و مصئونیت غذایی؛

«حاصلات زراعتی کشور ۱۵ درصد افزایش یافته است»

اطلاعات روز: وزارت زراعت، آبیاری و مالداری کشور «پروژه‌ی اضطراری زراعت و مصئونیت غذایی» را به ارزش ۱۰۰ میلیون دالر امریکایی در ۳۴ ولایت افتتاح کرد. بانک جهانی و صندوق بازسازی افغانستان تمویل‌کنندگان این پروژه‌ی دوساله هستند...

صفحه۲

ترجمه

آیا هند سیاست خود را در قبال طالبان تغییر می‌دهد؟

از دو سال پیش که روند صلح افغانستان آغاز شد، نقش هند در آن تاکنون در بهترین حالت جانبی بوده است. اما این ممکن است تغییر کند؛ حضور «سابرامانیام جایشانکار»، وزیر امور خارجه هند در افتتاحیه مذاکرات بین‌الافغانی در ۱۲ سپتامبر در دوحه می‌تواند نشانه‌ی تغییر تدریجی رویکرد دهلی‌نو باشد. جایشانکار در مراسم تاریخی افتتاح مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه، از راه دور سخنرانی کرد و بر حمایت دیرینه هند از یک روند صلح «به رهبری افغان‌ها، متعلق به افغان‌ها و تحت کنترل افغان‌ها» تأکید کرد. شرکت وی در این مراسم این احتمال را مطرح کرد که هند ممکن است در آینده بخواهد وارد گفت‌وگوی مستقیم با طالبان شود؛ کاری که دهلی‌نو تاکنون انجام نداده است.

اگرچه هند در هر شرایطی تصمیم گرفته از حضور نظامی در افغانستان خودداری کند،...

۳

تحلیل

خانه‌ی عمران راتب

(و درختی که شاهد یک مرگ است)

صفحه۴

گزارش

یک بام و دو هوا؛

شروع درس‌های دوران ابتداییه و متوسطه‌ی مکاتب دولتی مشخص نیست

پس از هفت ماه از شیوع ویروس کرونا بخش عمده‌ای از مکاتب دولتی در افغانستان هنوز بسته است. این موضوع نگرانی‌های اعضای مجلس نمایندگان و شماری از فعالان بخش آموزش و پرورش را...

صفحه۵

یادداشت‌روز

مبنای مذاکرات «تمنای صلح» باشد

دو هفته پس از آغاز مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه، اکنون کارگروه مشترک هیأت‌های جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان، در نهایی‌کردن طرزالعمل و رویه‌ی کاری مذاکرات به چالش مواجه شده‌اند. طالبان، اصرار دارند که مذاکرات بین‌الافغانی بر مبنای توافق دوحه که میان این گروه و ایالات متحده به امضا رسید، صورت بگیرد. هیأت جمهوری اسلامی افغانستان اما، استدلال می‌کند توافق دوحه نمی‌تواند مبنای مذاکرات قرار بگیرد، زیرا جمهوری اسلامی افغانستان نیز دست‌کم دو توافق‌نامه‌ی استراتژیک سیاسی، امنیتی و اقتصادی با ایالات متحده و نیروهای ائتلاف به امضا رسانده است.

توافق‌نامه‌ی دوحه، سندی بود که طالبان را از یک گروه تروریستی/شورشی به یک شریک امنیتی-سیاسی برای ایالات متحده ارتقا داد. براساس این توافق‌نامه، طالبان با شناسه‌ی رسمی «امارت اسلامی»، به‌عنوان گزینه‌ی بدیل برای تصاحب قدرت یا دست‌کم یک جنبش سیاسی مشروع و هم‌تراز با جمهوری اسلامی افغانستان از طرف ایالات متحده به رسمیت شناخته شد...

۲

ادامه‌یادداشت‌روز

در ضمن این سند زمینه‌ی رهایی بیش از پنج هزار زندانی این گروه را از زندان‌های دولت افغانستان فراهم کرد. علاوه بر این امتیازهای برجسته که طالبان از توافق‌نامه‌ی دوحه به‌دست آوردند، این توافق‌نامه به طالبان زمینه‌ی وسیعی برای مانور سیاسی و رسانه‌ای، تلطیف کارنامه‌ی سیاه جنگی و مشروعیت‌تراشی سیاسی فراهم کرد. در برابر این همه امتیازهای کلان و بادآورده، طالبان صرفا متعهد شدند که روابط‌شان با گروه‌های تروریستی در خصومت با ایالات متحده را قطع می‌کنند. تعهدی که براساس توضیح‌های زلمی خلیل‌زاد به کنگره‌ی ایالات متحده، هنوز اجرایی نشده است. نکته‌ی حایز اهمیت و مهم این است که طالبان متعهد نشده‌اند که علیه گروه‌های تروریستی در خصومت با ایالات متحده، می‌رزمند. طالبان، صرفا به قطع روابط‌شان با این گروه‌ها تعهد داده‌اند.

توافق‌نامه‌ی دوحه، امتیازهای بادآورده و حاتم‌بخشی مضحکی بود که زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی ایالات متحده برای صلح افغانستان به طالبان اعطا کرد. این توافق‌نامه اما، لزوما به معنای سرسپردگی جمهوری اسلامی افغانستان به معامله‌ی زلمی خلیل‌زاد با طالبان و دست و پا بستگی افغانستان در برابر توافق سیاسی یکی از شرکای استراتژیک‌اش با یک گروه شورشی/تروریستی نیست. اگر بنا بر ارجاع به توافق‌نامه‌هایی از این دست باشد، جمهوری اسلامی افغانستان به عنوانی نظام و دولت مشروع و منتخب، یک پیمان استراتژیک با ایالات متحده‌ی امریکا به امضا رسانده است. پیمانی که به لحاظ مشروعیت، اعتبار و قدرت سیاسی، با توافق‌نامه‌ی سیاسی این کشور با یک گروه شورشی اساسا قابل مقایسه نیست. همزمان با امضای توافق‌نامه‌ی دوحه میان طالبان و ایالات متحده، افغانستان، ناتو و امریکا، اعلامیه‌ی مشترکی امضا کردند. پیمان استراتژیک افغانستان و ایالات متحده و اعلامیه‌ی مشترک افغانستان، ناتو و ایالات متحده، هردو بر دوام تعهدات جامعه‌ی جهانی در قبال افغانستان تأکید می‌کند. معنای «دوام تعهدات جامعه‌ی جهانی در قبال افغانستان» این است که طالبان یک گروه تروریستی/شورشی، جمهوری اسلامی افغانستان نظام و دولت مشروع و منتخب افغانستان و جامعه‌ی جهانی متعهد به حمایت از افغانستان در برابر تروریزم و شورش است.

واقع این است که اگر مراد از مذاکرات بین‌الافغانی، دستیابی به یک صلح سراسری و پایدار، پایان خون‌ریزی و مصائب افغانستان و پی‌ریزی یک همزیستی و زندگی مسالمت‌آمیز برای همه‌ی افغان‌ها باشد، هیچ چیزی جز «تمنای صلح» نمی‌تواند و نباید، مبنای مذاکرات بین‌الافغانی باشد. تنها اشتیاق به صلح و حسن‌نیت واقعی برای آشتی و پایان‌دادن به جنگ می‌تواند مبنای مذاکرات بین‌الافغانی قرار بگیرد. چه آن‌که اگر مبنایی جز «تمنای صلح»، برای دوام مذاکرات بین‌الافغانی قرار گیرد، در آن‌صورت مبناهای دیگری که منطق و مشروعیت نیز دارد، مجال ورود می‌یابد. «عدالت انتقالی»، «حقوق قربانیان جنگ»، «پی‌گرد جنایات جنگی» و «حساب‌دهی از کارنامه‌ی جنگی» که در دو دهه و نیم گذشته صورت گرفته است، مبناهای غیرقابل اغماضی است که می‌تواند مطرح بحث باشد. تنها دلیلی که مردم افغانستان سعی می‌کنند از کارنامه‌ی بسیار سیاه و تاریک طالبان چشم‌پوشی کنند، اراده‌ی این مردم به دستیابی به صلح و پایان خونریزی است. اراده‌ای که مبنای آن «تمنای صلح» است.

هر مبنایی جز «تمنای صلح»، آخرین ابهام‌ها و تردیدها مبنی بر این را که طالبان با اشتراک در مذاکرات بین‌الافغانی دوحه، در پی تصاحب قدرت، براندازی نظام، دوام خونریزی و جنگ و تحمیل خشونت و تفنگ بر مردم افغانستان هستند، از میان برمی‌دارد. گروهی که بیش از یک و نیم دهه به بهانه و با شعار جهاد ده‌ها هزار افغان را به خاک و خون کشاند و ویرانی وسیعی به بار آورد، چگونه توافق با یک «کشور اشغال‌گر، خارجی و کافر» را به مطالبه‌ی سراسری برای پایان جنگ و «تمنای صلح»، ترجیح می‌دهد؟ طالبان باید به این پرسش پاسخ دهند که آیا توافق سیاسی‌شان با کشوری که آن را «اشغالگر، خارجی و کافر» می‌خوانند/می‌خواندند، شایسته‌ی قرار گرفتن مبنای مذاکرات بین‌الافغانی است یا مطالبه‌ی صلح بیش از ۳۰ میلیون افغان مسلمان و ضرورت فوری سرزمین ما به پایان جنگ و برقراری آشتی و آرامش؟ پرسش به این پاسخ، هویت واقعی طالبان را برملا و افشا می‌کند.

فرد انتحاری که قصد حمله بر رییس مجلس سنا را داشت، در لغمان بازداشت شد

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت لغمان می‌گویند که یک حمله‌کننده‌ی انتحاری که قصد حمله بر فضل هادی مسلم‌یار، رییس مجلس سنای کشور را داشت، از سوی نیروهای امنیت ملی در این ولایت بازداشت شده است.

اسدالله دولت‌زی، سخن‌گوی والی لغمان دیروز (یک‌شنبه، ۶ میزان) به روزنامه اطلاعات روز گفت که عرفان‌الله مشهور به سرخرودی، حمله‌کننده‌ی انتحاری از سوی قاری بلال، مسئول حملات انتحاری گروه طالبان به‌منظور حمله بر آقای مسلم‌یار توظیف شده بود. آقای دولت‌زی همچنان گفت که او در جریان عملیات مشترک نیروهای امنیت ملی ولایات لغمان و ننگرهار در مربوطات لوسوالی قرغه‌ای در مسیر شاه‌راه کابل – جلال‌آباد بازداشت شده است.

به گفته‌ی او، در جریان این عملیات یک عراده موترسایکل نوع زرنج با ۲۵۶ کیلوگرام مواد انفجاری نیز از سوی نیروهای امنیت ملی کشف و به‌دست آمده است. راننده‌ی این موترسایکل نیز بازداشت شده است.

گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است.

هفت سرباز ارتش در حمله‌ی طالبان در فراه کشته شدند

اطلاعات روز – هرات: مقام‌های محلی در ولایت فراه می‌گویند که در نتیجه‌ی حمله‌ی جنگ‌جویان طالبان بر پاسگاه‌های نیروهای ارتش در ولسوالی بالابلوک این ولایت، هفت سرباز ارتش کشته شده‌اند.

شاه‌محمود نعیمی، معاون شورای ولایتی فراه به روزنامه اطلاعات روز گفت که طالبان این حملات‌شان را دو شب پیش (شنبه، ۵ میزان) در مسیر شاه‌راه هرات – قندهار در منطقه‌ی «کنسک» ولسوالی بالابلوک راه‌اندازی کرده بودند.

او تأکید کرد که جنگ‌جویان طالبان نُه سرباز دیگر ارتش را نیز در این حمله‌ی‌شان به اسارت گرفته‌اند.

از سویی هم، معاون شورای ولایتی فراه گفت که مقداری از مهمات و تجهیزات جنگی نیروهای ارتش هم در این حمله، به دست طالبان افتاده است.

مسئولان حکومتی و امنیتی فراه اما در این مورد ابراز نظری نکرده‌اند.

ولایت فراه در غرب کشور از ولایت‌های ناامن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت به‌شمول ولسوالی بالابلوک حضور و فعالیت گسترده دارند.

عبدالله در رأس یک هیأت دولتی امروز به پاکستان می‌رود

اطلاعات روز: عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی کشور امروز (دوشنبه، ۷ میزان) در رأس یک هیأت بلندرتبه‌ی دولتی به پاکستان می‌رود.

سفر آقای عبدالله به پاکستان به دعوت رسمی عمران خان، نخست‌وزیر این کشور صورت می‌گیرد. او در این سفر با مقام‌های پاکستانی در مورد روند صلح افغانستان دیدار و گفت‌وگو کنند.

سفر آقای عبدالله برای دو روز تنظیم شده است.

صادق خان، نماینده‌ی ویژه‌ی پاکستان در امور افغانستان نیز در توییتی سفر عبدالله عبدالله به این کشور را تأیید کرده است.

او گفته است که آقای عبدالله در این سفر با رییس‌جمهوری، نخست‌وزیر، رییس سنا، رییس پارلمان و وزیر خارجه‌ی پاکستان دیدار و صحبت خواهند کرد.

افتتاح پروژه‌ی اضطراری زراعت و مصئونیت غذایی؛ «حاصلات زراعتی کشور ۱۵ درصد افزایش یافته است»

اطلاعات روز: وزارت زراعت، آبیاری و مالداری کشور «پروژه‌ی اضطراری زراعت و مصئونیت غذایی» را به ارزش ۱۰۰ میلیون دالر امریکایی در ۳۴ ولایت افتتاح کرد.

بانک جهانی و صندوق بازسازی افغانستان تمویل‌کنندگان این پروژه‌ی دوساله هستند. از مجموع ۱۰۰ میلیون دالر امریکایی، ۴۵ میلیون دالر از سوی صندوق بازسازی افغانستان یا ARTF و ۵۵ میلیون دالر دیگر از سوی بانک جهانی پرداخت می‌شود.

انورالحق احدی، سرپرست وزارت زراعت، آبیاری و مالداری دیروز (یک‌شنبه، ۶ میزان) در مراسم افتتاح «پروژه‌ی اضطراری و مصئونیت غذایی» گفته است که از طریق این پروژه روی احیا و بازسازی کانال‌های آبیاری، چک‌دم‌ها، تولید، تهیه و توزیع تخم‌های اصلاح شده، توزیع وسایل زراعتی برای کشاورزان، همکاری تخنیکی و ارتقای ظرفیت انجمن آسیاب‌های آرد، ساخت کشمش‌خانه‌ها، ذخیره‌گاه‌های کچالو و پیاز تمرکز می‌شود. آقای احدی همچنان گفته است که قرار است با تطبیق این پروژه در دو سال آینده، ۱۸۰ کانال آبیاری احیا و بازسازی شود و از طریق مدیریت آب‌ریزه‌ها و احیای کانال‌ها در مجموع بیش از ۸۵ هزار هکتار زمین تحت کشت قرار بگیرد.

سرپرست وزارت وزراعت گفته است که راه‌اندازی «پروژه‌ی اضطراری زراعت و مصئونیت غذایی»، افغانستان را در راستای رسیدن به خودکفایی از لحاظ تولیدات محصولات زراعتی کمک می‌کند.

آقای احدی گفته است که افغانستان در حال حاضر سالانه نزدیک به یک‌نونیم میلیون متریک تُن گندم و آرد از بیرون وارد می‌کند. به گفته‌ی آقای غفوری، افتتاح «پروژه‌ی اضطراری زراعت و مصئونیت غذایی»، به افزایش و رشد محصولات زراعتی کشور بیشتر کمک می‌کند.

غفوری همچنان گفته است که تطبیق این پروژه می‌تواند زمینه‌ی اشتغال‌زایی را در بیشتر ولسوالی‌های ۳۴ ولایت فراهم می‌کند. از طریق این پروژه بیش از ۷۰۰ هزار نفر شامل ۲۲ هزار خانم زراعت‌پیشه به‌طور مستقیم مستفید می‌شوند و در دو جنگ‌های دوامدار، زمین‌های زراعتی بسیار کم شده است. به گفته‌ی احدی، در چند سال گذشته حکومت و تمویل‌کنندگان افغانستان به زراعت توجه کرده، اما زمین‌های زراعتی به اندازه‌ای که در زمان داوودخان بود، نرسیده است. احدی علاوه کرده است که در حال حاضر در حدود ۲.۵ الی ۲.۶ میلیون هکتار زمین آبی وجود دارد.

در همین حال، حشمت‌الله غفوری، معین آبیاری و منابع طبیعی وزارت زراعت در این مراسم گفته است که حاصلات زراعتی کشور در سال جاری ۱۵ درصد افزایش یافته است. به گفته‌ی آقای غفوری، افتتاح «پروژه‌ی اضطراری زراعت و مصئونیت غذایی»، یک قسمتی از این شبکه‌ها فعال و بازسازی خواهد شد و در ساحات تحت پوشش این پروژه، ضایعات آب نیز کاهش خواهد یافت.

براساس معلومات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری، از طریق «پروژه‌ی اضطراری زراعت و مصئونیت غذایی»، طی دو سال آینده بیش از ۳۰ هزار متریک تُن تخم‌های اصلاح‌شده برای ۶۰۰ هزار دهقان در ۳۴ ولایت توزیع می‌شود که در نتیجه حاصلات گندم در ساحات تحت پوشش پروژه، ۱۵ درصد افزایش خواهد یافت.

همچنان گفته شده است که قرار است بیش از یک‌هزار باب ذخیره‌گاه کوچک صفر انرژی برای سیب، پیاز، کچالو، و کشمش‌خانه در دو سال آینده در شش زون ساخته شود.

سال آینده حدود پنج‌میلیون روز کاری نیز ایجاد خواهد شد.

به گفته‌ی او، در حال حاضر از مجموع ۲۸ هزار شبکه‌ی آبیاری در افغانستان، هفت‌هزار شبکه‌ی آن غیرفعال است و با تطبیق «پروژه‌ی اضطراری زراعت و مصئونیت غذایی»، یک قسمتی از این شبکه‌ها فعال و بازسازی خواهد شد و در ساحات تحت پوشش این پروژه، ضایعات آب نیز کاهش خواهد یافت.

براساس معلومات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری، از طریق «پروژه‌ی اضطراری زراعت و مصئونیت غذایی»، طی دو سال آینده بیش از ۳۰ هزار متریک تُن تخم‌های اصلاح‌شده برای ۶۰۰ هزار دهقان در ۳۴ ولایت توزیع می‌شود که در نتیجه حاصلات گندم در ساحات تحت پوشش پروژه، ۱۵ درصد افزایش خواهد یافت.

همچنان گفته شده است که قرار است بیش از یک‌هزار باب ذخیره‌گاه کوچک صفر انرژی برای سیب، پیاز، کچالو، و کشمش‌خانه در دو سال آینده در شش زون ساخته شود.

سه نیروی امنیتی در حمله‌ی طالبان در فاریاب کشته شدند

اطلاعات روز: مسئولان امنیتی در ولایت فاریاب تأیید می‌کنند که در نتیجه‌ی حمله‌ی جنگ‌جویان گروه طالبان بر پاسگاه‌های نیروهای امنیتی در ولسوالی‌های دولت‌آباد و شیرین‌تگاب این ولایت،سه سرباز این نیروها کشته شده‌اند.

عبدالکریم پورش، سخن‌گوی فرماندهی پولیس فاریاب دیروز (یک‌شنبه، ۶ میزان) به روزنامه اطلاعات روز گفت که طالبان این حملات خود را دو شب پیش و حوالی ساعت ۳:۰۰ بامداد در مراکز این دو ولسوالی راه‌اندازی کرده‌اند.

آقای پورش افزود که در جریان درگیری‌ها در این حملات، یک سرباز دیگر نیروهای امنیتی نیز زخمی شده است.

او همچنان گفت که این حملات طالبان پس از چند ساعت درگیری عقب زده و در جریان درگیری‌ها تلفاتی بر جنگ‌جویان این گروه نیز وارد شده است. سخن‌گوی فرماندهی پولیس فاریاب اما رقمی از تلفات این جنگ‌جویان ارایه نکرد.

از سویی هم، او گفت که دو شب پیش در نتیجه‌ی ضدحمله‌ی نیروهای امنیتی در ولسوالی قیصار این ولایت، دو جنگ‌جوی گروه طالبان کشته و سه جنگ‌جوی دیگر این گروه زخمی شده‌اند.

وزارت صحت خواهان همکاری طرف‌های جنگ برای مقابله با شیوع ویروس پولیو شد

اطلاعات روز: همزمان با افزایش موارد مثبت ویروس پولیو (فلج کودکان) در کشور، وزارت صحت عامه برای مقابله با شیوع این ویروس خواهان همکاری جناح‌های جنگ شده است.

در خبرنامه‌ای که از سوی وزارت صحت عامه به نشر رسیده، آمده است که این خواست توسط احمدجواد عثمانی، سرپرست این وزارت دیروز (یک‌شنبه، ۶ میزان) در نشستی با همکاران بین‌المللی افغانستان در بخش پولیو مطرح شده است.

به نقل از خبرنامه، آقای عثمانی از افزایش موارد مثبت ویروس پولیو ابراز نگرانی کرده و گفته است که این ویروس در تعدادی از ولایت‌های کشور از جمله قندهار، ارزگان و هلمند به دلیل ناامنی‌ها افزایش یافته است.

آقای عثمانی افزوده است: «از تمام جناح‌های درگیر خواهشمندیم که با کارمندان صحی در بخش پولیو همکاری کنند تا بتوانیم گردش این ویروس را در کشور توقف دهیم.»

او همچنان تأکید کرده است که محو ویروس پولیو از اولویت‌های وزارت صحت عامه می‌باشد.

سرپرست این وزارت در ادامه گفته است که دولت افغانستان، ادارات بنیاد بیل میلندا گیتس، یونیسف، سازمان صحی جهان، اتحادیه‌ی جهانی واکسیناسیون و اداره‌ی انکشافی امریکا حمایت‌شان را برای مبارزه با پولیو اعلام کرده‌اند.

این درحالی است که در جریان سال ۲۰۲۰ میلادی ۴۷ مورد مثبت ویروس پولیو در سطح کشور به ثبت رسیده است.

از میان مبتلایان این موارد، ۳۳ نفر آنان مربوط به حوزه‌ی جنوب، هفت نفر مربوط به حوزه‌ی غرب، دو نفر مربوط به حوزه‌ی شرق، سه نفر مربوط به حوزه‌ی جنوب‌شرق، یک نفر مربوط به حوزه‌ی شمال‌شرق و یک نفر دیگر هم مربوط به حوزه‌ی شمال می‌شوند.

سال گذشته رقم مجموعی موارد مثبت پولیو در افغانستان به ۲۹ مورد رسیده بود. در سال ۲۰۱۸ میلادی نیز، ۲۱ مورد مثبت پولیو در افغانستان به ثبت رسیده بود.

راه‌اندازی کارزار تطبیق واکسین پولیو در ۱۰ ولایت

وزارت صحت عامه همچنان می‌گوید که به ادامه‌ی کارزار تطبیق واکسین پولیو، قرار است این کارزار سر از امروز برای پنج روز در ده ولایت کشور نیز راه‌اندازی شود.

میرجان راسخ، مسئول آگاهی عامه‌ی برنامه‌ی محو پولیوی این وزارت در صحبتی با روزنامه اطلاعات روز گفت که ولایت‌های پکتیا، پکتیکا، خوست، غزنی، لوگر، میدان‌وردک، پروان، قندوز، بغلان و نورستان شامل این ده ولایت می‌شود.

آقای راسخ افزود که این دور کارزار تطبیق واکسین پولیو حدود دو میلیون کودک زیر پنج سال را پوشش می‌دهد.

گفتنی است که کارزار تطبیق واکسین پولیو در ۲۰ ولایت کشور پس از ماه توقف، در تاریخ ۲۴ سنبله راه‌اندازی شد. براساس اعلام این وزارت، در این دور کارزار که تا ۲۸ سنبله ادامه داشت، ۶.۱ میلیون کودک پوشش داده شدند.

افغانستان و پاکستان تنها دو کشوری در جهان اند که تاکنون موفق به محو کامل پولیو نشده‌اند.

بیماری پولیو قابل تداوی نیست، اما قابل پیش‌گیری است و کودکانی که به این بیماری مبتلا می‌شوند، برای همیشه فلج می‌شوند.

به گفته وزارت دفاع امریکا، شبکه حقانی که همان بازوی نظامی طالبان است، همچنان سرسختانه ضدهند است و با آی‌اس‌آی پاکستان رابطه نزدیک دارد و عملیات‌هایی را برای هدف قراردادن اتباع هند در منطقه انجام می‌دهد. تهدید امنیتی دیگر حضور روبه‌رشد ولایت خراسان دولت اسلامی در افغانستان و مناطق اطراف است که ممکن سایر گروه‌های شبه‌نظامی و نیز گروه‌های محلی را که از طالبان جدا می‌شوند، به خود جذب کند.

آیا هند سیاست خود را در قبال طالبان تغییر می‌دهد؟

فارن پالیسی – هارش وی. پانت و شوبنگی پندی
مترجم: جلیل پژواک

از دو سال پیش که روند صلح افغانستان آغاز شد، نقش هند در آن تاکنون در بهترین حالت جانبی بوده است. اما این ممکن است تغییر کند؛ حضور «سابرامانیام جایشانکار»، وزیر امور خارجه هند در افتتاحیه مذاکرات بین‌الافغانی در ۱۲ سپتامبر در دوحه می‌تواند نشانه‌ی تغییر تدریجی رویکرد دهلی‌نو باشد. جایشانکار در مراسم تاریخی افتتاح مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه، از راه دور سخنرانی کرد و بر حمایت دیرینه هند از یک روند صلح «به رهبری افغان‌ها، متعلق به افغان‌ها و تحت کنترل افغان‌ها» تأکید کرد. شرکت وی در این مراسم این احتمال را مطرح کرد که هند ممکن است در آینده بخواهد وارد گفت‌وگوی مستقیم با طالبان شود؛ کاری که دهلی‌نو تاکنون انجام نداده است.

اگرچه هند در هر شرایطی تصمیم گرفته از حضور نظامی در افغانستان خودداری کند، اما دهلی‌نو برای نیروهای امنیتی افغانستان زمینه آموزش‌های نظامی مهم را فراهم کرده، دوره‌های ظرفیت‌سازی برگزار کرده و به دولت افغانستان تجهیزات نظامی محدود کمک کرده است. کمک‌های هند به افغانستان پس از امضای توافق‌نامه مشارکت استراتژیک افغانستان و هند در اکتبر ۲۰۱۱، افزایش یافت. این توافق‌نامه علاوه بر تأکید بر همکاری بین دو کشور در زمینه‌های امنیتی، انتظامی و قضایی، شامل تعهد مشترک به مبارزه با شبکه‌های تروریستی بین‌المللی و جنایت‌کار در منطقه نیز می‌شود.

هند در جبهه سیاسی یکی از قدیمی‌ترین و قدرت‌مندترین طرفداران حکومت دموکراتیک در کابل بوده است. از کنفرانس بُن سال ۲۰۰۱، که زمینه را برای تشکیل دولت موقت پس از سقوط طالبان فراهم کرد، تا به امروز، هند در تعامل با دولت‌های افغانستان رویکرد همه‌جانبه اختیار کرده است. هند برای کمک به پیش‌برد این رویکرد، از سال ۲۰۰۱ تاکنون میلیاردها دالر را برای توسعه زیرساخت‌های افغانستان و نیز کمک‌های بشردوستانه به این کشور مساعدت کرده است. هرچند کمک‌های دهلی‌نو به افغانستان نمی‌تواند با مساعدت‌های اقتصادی غرب به افغانستان برابری کند، اما هند همچنان قابل اعتمادترین شریک توسعه‌ای افغانستان در منطقه دیده می‌شود.

با این‌که موضع هند همواره حمایت از یک روند مصالحه و مذاکره متعلق و به رهبری خود افغان‌ها بوده است، اما رویکرد این کشور نسبت به طالبان به طرز نامحسوسی در سال‌های اخیر تغییر کرده است. در دهه ۱۹۹۰، هند مخالف سرسخت رژیم طالبان در افغانستان بود و از ائتلاف شمال در برابر این گروه حمایت می‌کرد؛ استراتژی که در آن‌زمان توسط روسیه و ایران نیز در پیش گرفته شده بود. اما در اواخر دهه ۲۰۰۰، با این‌که هند همچنان به حمایت خود از حکومت منتخب افغانستان در تلاش‌های کابل برای مصالحه، ادامه داد، اما دیگر خیلی مخالف تعامل معنادار با طالبان نبود. و هرچند مجرای ارتباطی مستقیمی بین هند و طالبان هرگز شکل نگرفت، اما تأکید دهلی‌نو بر اولویت‌هایش در افغانستان در مراسم افتتاحیه مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه در ۱۲ سپتامبر، نشان داد که روند تغییر رویکرد این کشور در خصوص طالبان همچنان ادامه دارد.

هرچند بعید می‌نماید که طالبان به عنوان شریک قوی هند در افغانستان ظاهر شود، اما این گروه نشان داده است که اساسا مخالف کار با این کشور نیست. طالبان چند ماه پیش گزارش‌های رسانه‌ای مبنی بر هم‌سوشدن این گروه با گروه‌های جهادی در کشمیر را رد و اعلام کردند که طالبان در پی مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر نیست. این در واقع یک چراغ سبز نامحسوس به دهلی‌نو بود و به هند فرصت می‌دهد تا در میز رایزنی جایگاهی به دست آورد.

این تغییر پویایی بین هند و طالبان درحالی است که ایالات متحده، طبق توافق‌نامه ماه فبروری خود با طالبان، آماده می‌شود که تا اواسط سال ۲۰۲۱ تمام نیروهای نظامی خود را از افغانستان خارج کند. عدم حضور سربازان امریکایی مطمئنا تمایل طالبان را برای به دست آوردن سهمی بزرگ‌تر از قدرت سیاسی در افغانستان، بیشتر از پیش تقویت خواهد کرد. طالبان در میدان نبرد و همچنین در میز مذاکره، به نظر می‌رسد که دست بالاتر را دارد و وقتی این گروه به قدرت برگردد، از آن مسلما به عنوان ابزاری برای کسب مشروعیت استفاده خواهد کرد.

از این‌رو ارزیابی تعامل هند با «طالبان درحال صعود»، به دلایل بسیاری مهم است. دلیل اول آن این است که انتظار می‌رود طالبان به زودی به بخش جدایی‌ناپذیر حکومت در کابل تبدیل شود. دوم این‌که، برقراری ارتباطات دیپلماتیک با یک «طالبانِ به لحاظ سیاسی توان‌مند»، برای محافظت از منافع اقتصادی موجود و آینده دهلی‌نو، از جمله منافع مرتبط با بازارهای انرژی آسیای میانه و پروژه اتصال منطقه‌ای گسترده‌تر هند، حیاتی خواهد بود. سوم این‌که، داشتن رابطه دوستانه با طالبان به هند امکان خواهد داد که در آینده از میزانی از نفوذ بر افغانستان برخوردار باشد تا از آن برای مقابله با تلاش‌های پاکستان در جهت تخریب منافع هند در افغانستان، استفاده کند.

هند مطمئنا راه طولانی در پیش دارد. اگر با عینک واقع‌بینی نگاه کنیم، تنها نتیجه ممکن از مذاکرات صلح یا یک دستگاه سیاسی تحت سلطه طالبان در افغانستان خواهد بود یا هم ادامه اختلافات و خشونت کنونی. در هر دو حالت، چیزی از وزن طالبان کاسته نخواهد شد و این امر نه‌تنها برای افغان‌ها، بلکه برای کل منطقه یک چالش خواهد بود. برای هند، این چالش ربط مستقیم به پاکستان دارد که خود را در مرکز روند مصالحه افغانستان قرار داده است. دهلی‌نو در تماس‌های خود با بازیگران مختلف افغانستان نمی‌تواند خطری را که از ناحیه نفوذ گسترده پاکستان در افغانستان می‌تواند متوجه هند باشد، نادیده بگیرد. بزرگ‌ترین چالش در افغانستان تهدید تروریسم و افراط‌گرایی است و پیروزی ادعایی طالبان روحیه چنین نیروها را در منطقه تقویت خواهد کرد.

به گفته وزارت دفاع امریکا، شبکه حقانی که همان بازوی نظامی طالبان است، همچنان سرسختانه ضدهند است و با آی‌اس‌آی پاکستان رابطه نزدیک دارد و عملیات‌هایی را برای هدف قراردادن اتباع هند در منطقه انجام می‌دهد. تهدید امنیتی دیگر، حضور روبه‌رشد ولایت خراسان دولت اسلامی در افغانستان و مناطق اطراف است که ممکن سایر گروه‌های شبه‌نظامی و نیز گروه‌های محلی را که از طالبان جدا می‌شوند، به خود جذب کند.

یکی دیگر از قدرت‌های منطقه‌ای که همچون هند نگران شیوع بی‌ثباتی از افغانستان به سایر کشورهای همسایه است، چین است. هم‌جواری جغرافیایی افغانستان با منطقه عمدتا مسلمان‌نشین سین‌کیانگ و اویغورها، مایه نگرانی چین است. چین همچنین منافع اقتصادی در افغانستان دارد و چندین پروژه بیجینگ در افغانستان مرتبط با ابتکار بلندپروازانه کمربند و راه رییس‌جمهور شی جین‌پینگ است. چین با تقویت روابط دیپلماتیک خود با کابل و همچنین ایجاد روابط نزدیک‌تر با طالبان، به امید ارتقای تجارت و سرمایه‌گذاری بیشتر بیجینگ در این کشور، در تلاش است تا جایگاه خود را در افغانستانِ درحال تغییر حفظ کند. البته این نیز به نوبه خود مایه‌ی نگرانی هند است، زیرا روابط دهلی‌نو با بیجینگ وارد فازه تازه‌ای از تنش‌ها شده است.

رقابت بین هند و چین ممکن است دهلی‌نو را به مسکو و تهران نزدیک‌تر کند. هم مسکو و هم تهران، اهداف مشابه با برخی اهداف دهلی‌نو در منطقه دارند. هرچند حکومت افغانستان در مورد هرگونه رابطه روسیه با طالبان هنوز تردید دارد، اما دخالت مسکو در تسهیل مذاکرات قبلی بین برخی طرف‌های افغان غیرقابل انکار است. در مورد ایران، هرچند تهران نمی‌تواند با عقاید ضدشیعی طالبان سازگار شود، اما نشان داده است که اهمیت تعامل تاکتیکی با این گروه را درک می‌کند. از آن‌جا که دهلی‌نو دارای روابط استراتژیک با مسکو است و به نظر مصمم می‌رسد که روی تقویت روابط خود با تهران نیز سرمایه‌گذاری کند، احتمال آغاز یک تلاش مشترک سه‌جانبه را در خصوص افغانستان از سوی این سه کشور نمی‌توان رد کرد.

این واقعیت که هند احتمالا تنها کشوری است که می‌تواند از یک سو با ایالات متحده و اروپا و از سوی دیگر با ایران و روسیه وارد تعامل شود، نشان‌دهنده جایگاه منحصربه فرد دهلی‌نو برای کمک به روند صلح افغانستان است. با این‌که هر کشوری در تلاش است تا سیاست تعامل خود را با اهداف استراتژیک خود هم‌سو کند، اما در نهایت هدف اصلی تمام کشورها، صلح در افغانستان است. اجماع بین ذینفعان بزرگ بین‌المللی در مورد نحوه برخورد با طالبان از اهمیت بالایی برخوردار است، و هند می‌تواند به ایجاد چنین اجماعی کمک و آن‌را عملی کند.

«هیچ نوع محدودیتی در مورد حقوق زنان پذیرفتنی نیست»

گفت‌وگوی شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر با بصیر احمد دانشیار، فعال مدنی و استاد دانشگاه

از آغاز گفت‌وگوهای صلح تا کنون، در کنار امیدواری‌ها برای برقراری صلح و آتش‌بس همیشگی، بیم و هراس‌هایی در مورد احتمال وضع محدودیت‌هایی در رابطه با حقوق زنان از سوی طالبان، در میان زنان و فعالان جامعه‌ی مدنی به وجود آمده است. این افراد می‌گویند اگر چنین موضوعی از سوی تیم طالبان مطرح شود، تیم مذاکره‌کننده‌ی دولت به هیچ‌صورت نباید آن را بپذیرد.

بصیراحمد دانشیار، فعال مدنی و استاد دانشگاه، در گفت‌وگویی با شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر (از این به بعد «شبکه») می‌گوید، یکی از موضوع‌های مهم مورد بحث در مذاکرات صلح، موضوع حقوق زنان است که باید به درستی مورد تمرکز قرار گیرد و هیچ‌نوع محدودیتی در مورد آن پذیرفتنی نیست: «کار و تحصیل زنان و حضور آنان در حوزه‌های سیاسی، مدنی و اجتماعی از موضوع‌هایی است که هیچ نوع محدودیتی در آن قابل قبول نیست. دست‌آورد‌های زنان در بخش‌های مختلف باید سیر صعودی داشته باشد و برای تقویت آن کوشش شود.»

شبکه: به نظر شما نفس حضور زنان در مذاکرات صلح تا چه اندازه بر موقف طالبان تأثیرگذار است؟

دانشیار: به باور من طالبان دیگر نمی‌توانند آزادی‌های مدنی و آزادی اندیشه و بیان را از شهروندان بگیرند یا حتا قادر نخواهند بود دادخواهی‌های فعالان مدنی را محدود کنند. ممکن است به مرور زمان اصطکاک‌هایی به وجود بیاید که آن هم با توجه به درایتی که فعالان مدنی و اجتماعی دارند، رفع خواهد شد و فعالیت‌های آنان ادامه خواهد یافت.

شبکه: چطور می‌توان از گفت‌وگوهای صلح به عنوان یک فرصت برای زنان افغانستان استفاده کرد؟

دانشیار: فکر می‌کنم در حال حاضر چالش‌های زیادی بر سر راه زنان وجود دارد. یکی از عمده‌ترین این چالش‌ها نبود امنیت است؛ این مشکل باعث شده است که زنان نتوانند در فضایی مصون فعالیت‌های مدنی و آموزشی خود را به پیش ببرند. گفت‌وگوهای صلح می‌تواند این چالش‌ها را به فرصت تبدیل کند. موضوع دوم این‌که، با تحقق صلح دختران و زنانی که در حال حاضر از آموزش محروم‌اند، می‌توانند از حق تعلیم و تحصیل برخوردار شوند.

آقای دانشیار، با اشاره به نگرانی‌ها در مورد احتمال عدم پایندی طالبان به تعهدات‌شان در صورت امضای توافق‌نامه‌ی صلح می‌گوید، ضمانت اجرای این توافق‌نامه را باید سازمان ملل و جامعه‌ی جهانی عهده‌دار شود.

***نوت:** این مصاحبه توسط شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر تهیه شده و امتیاز و مسئولیت آن به این شبکه برمی‌گردد. این سلسله مطالب براساس یک تفاهم تجاری در اطلاعات روز نشر می‌شود.*

EU AFGHANISTAN PEACE SUPPORT MECHANISM
Sida

خانه‌ی عمران راتب

(و درختی که شاهد یک مرگ است)

عصمت کهزاد

برای انسانی که دیگر خانه‌ی ندارد تا در آن زندگی کند، نوشتن تبدیل به مکانی برای زندگی می‌شود.
تئودور/دورنو

۱- آواره‌گی

از «پُل داکتر مهدی» می‌گذریم، از کنارهی راست دریا پیش می‌رویم؛ آن‌جا، پشت آن «تک‌درخت پیر» اتاق‌خواب نویسنده‌ی جوان و منتقد ادبی، عمران راتب بود. این «بود» خواننده یا شنونده‌ی تیزهوش را به سوگ می‌نشاند: خدای من! حتما دیگر نیست. این حقیقت دارد، حقیقتِ رؤیاگون و باورنکردنی.

هر قدمی که به خانه نزدیک می‌شوی، هر بار که نگاهت به آن «تک‌درختِ پیر» می‌افتد، بیش‌تر از پیش باور پیدا می‌کنی که احتمالا آدرس را غلط آمده‌ای. ورق را برمی‌گردانی و آدرس را می‌بینی، خودش است: خانه‌ی عمران راتب، نویسنده و منتقد ادبی. آرام با خودت حرف می‌زنی، از خودت می‌پرسی: «آن عمران راتبی که ما می‌شناسیم، آنی که می‌نوشت، واقعا این‌جا زندگی می‌کرد؟». لحظه‌ای سکوت می‌کنی، دوباره از خودت می‌پرسی: «فکر می‌کنی چرا باید این‌جا زندگی کند؟ آیا رازی در میان است؟». گیج می‌شوی و ظاهرا برای آخرین‌بار با خودت حرف می‌زنی: «بلاخره یک چیزی سر جایش نیست». دیگر حرف نمی‌زنی، به خانه نزدیک شده‌ای. صد متر جلوتر «پُل سوخته» است. به چهارسویت می‌بینی، فکر می‌کنی اگر از طرف پُل‌سوخته هم می‌آمدی باز به نتیجه‌ی قبلی می‌رسیدی: «بلاخره یک چیزی سر جایش نیست». وسوسه می‌شوی و دوباره از خودت چیزی می‌پرسی: «آیا رازی در میان است...؟»

آن تک‌درختِ پیر درست بالای سرت است. شاخه‌هایش در برابر پنجره‌ی اتاق خواب قد برافراشته‌اند. این شاخه‌ها اگر لب به سخن بگشایند آن «شب تاریک و ظلمانی» را به یاد خواهد آورد. درختی که شاهد یک مرگ است، شاهد مرگ راتب، همان‌طور که خیابان بالتیمور شاهد مرگ آلن پو و کوچه‌های «فلعه‌ی شهادة» شاهد مرگِ اسحاق معاصر.

دروازه‌ی سبزرنگ و کم‌عرض به راهرو کوچک و کثیف باز می‌شود. از دو زینه‌ی کوچک و کم‌عرض بالا می‌روی و در امتداد راهرو راه می‌افتی. از این‌که راهرو باریک و کثیف است دلت تنگ می‌شود، اما چاره‌ای نیست؛ اگر می‌خواهی به داخل ساختمان برسی ناگزیری از این راهرو عبور کنی. گویی راهرو کثیف در برابرت ایستاده است و می‌گوید: «باید مرا پُشتِ سر بگذاری، وگرنه باید برگردی». راهرو به دروازه‌ی سبزرنگ و باریک ختم می‌شود. در وسط راهرو سمتِ چپ، دروازه‌ی سبزرنگ دوپله‌ای شما را به داخل ساختمان راهنمایی می‌کند، یکی از این پله‌ها باز نمی‌شود و دوباره با دروازه‌ی سبزرنگِ کم‌عرض طرف هستی. وارد ساختمان می‌شوی؛ سمتِ چپ، راه‌پله‌های خاکی و کثیف شما را به طبقه‌ی دوم می‌برد، با کتاره‌های زنگ‌زده و خاک‌آلود. از لحظه‌ی که دروازه‌ی سبزرنگِ کم‌عرض به راهرو کوچک و کثیف باز می‌شود تا الآن که پُشت دروازه‌های طبقه‌ی دوم رسیده‌ایم بیش‌تر از دو بار آن سردرگمی سراغ‌مان را گرفته است؛ این‌که چرا نویسنده‌ای به قدوقامتِ عمران راتب باید در این ساختمان زندگی کند، این‌که هربار که او از این راهرو کوچک و کثیف عبور می‌کرده به چه چیز فکر می‌کرده، این‌که خدا می‌داند موقع عبور چقدر دلتنگ می‌شده، و این‌که چرا نویسنده‌ای چون عمران راتب باید از این راهرو کثیف و دلتنگ کننده باید عبور کند تا به کتابخانه‌اش برسد. آرام با خودت حرف می‌زنی: «چیزی سرِ جایش نیست».

طبقه‌ی دوم سمتِ چپ به یک قفسه‌ی آهنی می‌رسیم، به‌نظر می‌رسد وظیفه‌اش محافظت از دروازه‌ی چوبی و نازک باشد. آدم احساس می‌کند به محله‌ی «آوارگان» آمده است؛ یکسر مشکوک، یکسر کثیف و یک عالم سر و صدا، نه، به هیچ وجه مناسب عمران راتب نیست، برای نوشتن و آرامش ابدا جای خوبی نیست. اگر برای عمران راتب نبود از همین‌جا بر می‌گشتم و دگر پشتِ سرم را هم نگاه نمی‌کردم، اما راتب و تمامی هست‌وبودش در این ساختمان است، نمی‌توانم برگردم، نمی‌توانم نادیده‌اش بگیرم. من داخل می‌روم. برای‌تان می‌نویسم...

وارد دهلیز که می‌شوی دو اتاق روبه‌رو است و یک اتاق سمتِ چپ دهلیز، سمتِ راست دستشویی و تشناب است. آفتابه‌ی کهنه و دوموزه اولین چیزی است که نگاه‌مان را به‌سویش می‌کشاند، و پاییی که از قسمت پایین شیرِ آب ولو شده و در کف تشناب پهن شده است. بعد جا کاغذی که خالی است. چسبیده به تشناب آشپزخانه واقع شده است؛ کارتن خالیِ کیک، تخم‌پز و یک کاسه، چاپیر و گیلاس‌های چای‌خوری، بوتل‌های خالی آب‌معدنی، دو عدد ترموزِ چای و، شیرِ آب که خراب است. از یخچال و اجاقِ گاز هم خبری نیست. هر قدمی که برمی‌داری، هر چیزی را که وارسی می‌کنی و، هر نگاهی را که بالا و پایین می‌کنی به این پرسش برمی‌گردی که «چرا عمران راتب باید در این ساختمان زندگی کند؟ که چیزی سر جایش نیست، که رازی در میان است!».

گذشته از آشپزخانه به انباری می‌رسیم، تنگ و تاریک و کثیف. خدا می‌داند وقتی چشم راتب به این انباری می‌افتاده به چه چیزی فکر می‌کرده، خدا می‌داند چند بار از خودش پرسیده که چرا در این ساختمان زندگی می‌کند. پاسخش تا حدودی روشن است: چیزی سر جایش نیست. انباری تنگ و تاریک و کثیف است. انباری را که عبور کنیم به اتاق مطالعه می‌رسیم. دروازه‌ی زرد رنگ چوبی به داخل اتاق باز می‌شود. اولین چیزی که توجه را به خودش جلب می‌کند سروصدای یک جنراتور است که روبروی اتاق مطالعه کار گذاشته شده است. جنراتور طوری سروصدا تولید می‌کند که انگار برای این کارش پول گرفته باشد! از پنجره که ببینیم جنراتور خیلی مصمم روبه‌رو مانده شده است، انگار می‌گوید «همرا اگر بگذارم کتاب بخوانی!». از دروازه‌ی چوبی و زردرنگ که وارد شوی سمتِ راست کتاب‌ها خیلی منظم و مرتبط به‌هم چیده شده است، کتاب‌ها در دو ردیف چیده شده، کاناپه‌ی سفیدرنگ جلوی ردیف کتاب‌ها قرار گرفته، بالشتِ زردرنگ در گوشه‌ی راست افتاده است. چوّکی سبزرنگ پلاستیکی درست وسط اتاق قرار دارد؛ لب‌تاپ روی چوّکی مانده شده است. پرده‌ی زخیم و زردرنگ جلوی پنجره‌ها کشیده شده است. بادبیکه‌ی ایستاده سمتِ دیگر اتاق جاسازی شده است؛ پُشت‌سر بادبیکه یک ردیف کوچک از کتاب چیده شده، جلوی ردیف کتاب‌ها سطلی که برای کاغذپاره‌ها و یادداشت‌ها است، گذاشته شده. روی ردیفِ کتاب‌ها دسترخوانی که به نظر می‌رسد بیش‌تر از یک متر نباشد قات شده و مانده شده، کنارِ کتاب‌ها ظرف پلاستیکی میوه‌خوری افتاده است. نزدیک ظرف پلاستیکی قوطی چای‌سبز دیده می‌شود، بعد نمک‌دان کوچک و سیگاردانی، بالای سرِ کاناپه لکه‌ی سفیدرنگ در دیوار نقش بستهٔ است که اگر خیلی حواس‌مان پرت نباشد جلب توجه می‌کند، درست مثل خودِ راتب که اگر حواس کسی پرت نبود می‌دیدیدش. چسبیده به کتاب‌ها تُشک و بالشتی پهن است که شاید برای رفع خستگی و فکر کردن بیشتر به موضوعات خوانده شده کارگزاری شده است. موکیت زردرنگ به تنهایی در اتاق فرش شده است. خدا می‌داند در این اتاق چقدر تنهایی نفوذ کرده است، چقدر دلتنگی لنگر انداخته است، چقدر امید پرورانده شده است، چقدر بیم و هراس یورش برده است؛ کسی نمی‌داند. بین اتاق مطالعه و اتاق خواب اتاقی است که مربوط به راتب نمی‌شود. حدودا یک تا دو متر اتاق مطالعه با اتاق خواب فاصله دارد، فقط دروازه‌ی اتاق وسطی.

دروازه‌ی زردرنگ و چوبی به اتاق خواب باز می‌شود. اولین چیزی که نگاه‌ها را به خودش می‌کشاند ترموز آب است، پیچیده در پلاستیک. چسبیده به ترموز سطلی که برای کاغذپاره‌ها و یادداشت‌های ناضرور در نظر گرفته شده است. روبه‌روی دروازه پرده‌ی زردرنگ و ضخیم پنجره‌ها را پوشانده است. سمتِ چپ اتاق تخت‌خواب است، تخت‌خواب چوبی و سرخ‌رنگ. تُشک و بالشت خاکستری‌رنگ روی آن پهن شده است، و بعد ملافه‌ی سفید. چراغ تلفن از ساکت برق آویزان است. در پایینِ تخت کودبند برای لباس‌ها گذاشته شده است؛ کودبند فلزی سرخ‌رنگ. صندلی چوبی سمتِ راست و بالایی تخت قرار دارد، شاید برای زمانی‌که نمی‌توانسته بخواید، روی آن می‌نشسته و احتمالا کتابی را ورق می‌زده، یا شاید تنهایی سراپایش را فرا می‌گرفته و دلتنگی بسیار بی‌رحمانه به جانش رخنه می‌کرده: کسی نمی‌داند.

روی صندلی دو سیت موبایل است، هردو ساده است. دستمال کاغذی است، یک بوتل عطر، یک پاکت سیگار و، عینک. عینکی که می‌ترسی به چشمت کنی؛ می‌ترسی که اگر به چشمت بزنی تمام آن تنهایی‌ها، دلتنگی‌ها، بی‌مروتی‌ها، تاریکی‌ها و، وحشت‌ها از پا درت بیاورد. کنار صندلی بخاری برقی گذاشته شده است. گذشته از بخاری مجسمه‌ی خاکی‌رنگ بودا ایستاده است، بسیار نگران و تأمل‌برانگیز؛ گویی هنوز حادثه‌ی انفجارها را از یاد نبرده است. در کنارش تندیس جایزه‌ی فیستوال حقوق‌بشر گذاشته شده است، انگار آمده است تا از بودا دلجویی کند. در گوشه‌ی راست تخت، زیر ملافه‌ی سفید رنگ و تُشک بکس پیسه است، سه دانه قلم خودکار، پول‌های سکه‌ای؛ پنج روپیه‌ای، دو روپیه‌ای و یک روپیه‌ای. یادداشت‌های ناتمام و برگه‌ی بانک. روبه‌روی تخت‌خواب یک میخ، یک ساکتِ برق و، جایی برا دودکش بخاری به چشم می‌آید. حتما شب‌های زیاد و پیاپی به این سه چیز چشم دوخته بدون این‌که به خود این سه چیز فکر کرده باشد، حتما شب‌های را که نمی‌توانسته به خواب رود به این سه چیز خیره شده است بدون این‌که به خودِ این سه چیز فکر کرده باشد. شاید شب‌های زیادی به این سه چیز خیره شده است درحالی‌که برای ادامه‌ی مقالاه‌اش فکر می‌کرده، به این سه چیز خیره شده است درحالی‌که از بودنش در این ساختمان پرسش می‌کرده است: کسی نمی‌داند.

روبه‌روی دروازه‌ی اتاق‌خواب دروازه‌ای به بالکن باز می‌شود. دروازه را که باز کنی می‌توانی به شاخه‌های آن «تک‌درخت پیر» دست بکشی؛ درختی که شاهد یک «مرگ» بوده است، درختی که پشت آن اتاق‌خواب نویسنده‌ی جوان و منتقد ادبی، عمران راتب بود. این «بود» خواننده یا شنونده‌ی تیزهوش را به سوگ می‌نشاند: خدای من، حتما دیگر نیست. این درخت در آن شَب تاریک و ظلمانی شاهد یک مرگ بوده است. درخت مشرف به اتاق خواب است، شاخه‌ای آن روی بالکن خم شده است. دروازه‌ی بالکن را که باز کنیم از میان شاخه‌های آن «پُل داکتر مهدی» دیده می‌شود. این‌جا «پل سوخته» است: خانه‌ی عمران راتب. راتب در شب هفتم میزان ۱۳۹۷ در مسیر شفاخانه‌ی «ابن‌سینا» در کابل درگذشت. راتب در «راه» درگذشت؛ در راه شفاخانه‌ی «ابن‌سینا»، در راه «زندگی بربار»، در آغاز راه. بخشی از تصاویر مربوط به این خانه در مستند ویدیویی حسن آذرمهر آمده است. این مستند کوتاه تحت عنوان «سال‌مرگ خاموش نویسنده» همگانی شده است.

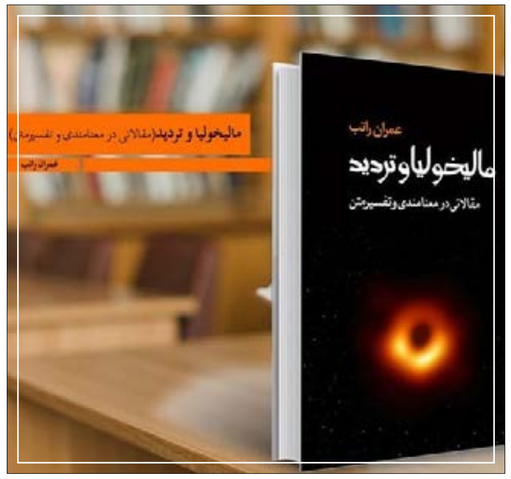

۲- اسکان در نوشتار

وقتی راتب از بامیان به کابل آمد با پانزده صد افغانی اتاقی به کرایه گرفت. اتاق در یک زیرزمین بود و کاملا خیس. راتب زمستان را در همان‌جا سپری کرد. هر باری که به اتاقش می‌رفتم با لحاف پیچانده بود و تنها دست‌هایش بیرون بود تا کتاب را نگهدارد و به موقعش ورق را برگرداند. زیرزمین خیس بود و بوی کاغذ نم‌کشیده آدم را به یاد رُمان «تنهایی پُرهیاهو» می‌انداخت (راوی این رُمان ۳۵ سال است که در یک زیرزمین خیس و نمناک کاغذ باطله خُرد می‌کند). خیلی دلش می‌خواست اتاق بهتری داشته باشد اما بیشتر از آن پولی در بساط نداشت. اوضاع من هم بهتر از او نبود. بهار همان‌سال در یکی از خوابگاه‌های خودگردان در «چهارراه شهید» در نزدیکی ساختمان سابق دانشگاه غرجستان نقل مکان کرد. این‌بار وضعش بهتر شده بود، از زیرزمین خیس و نمناک نجات یافته بود. این را می‌شد در چهره‌اش هم دید. تابستان گرم و بی‌امکانات را در همین اتاق سپری کرد. در همین ایام بود که همکاری با روزنامه اطلاعات روز را شروع کرده بود. یکی از روزهای خزان بود، در کافه‌ی «مهران» در چهارراه شهید نشسته بودیم که با لبخند رضایت‌بخش خبری را اعلام کرد، در حوالی «پل سرخ» اتاقی با امکانات بهتر پیدا کرده بود. اولین‌بار بود که احساس می‌کرد صاحب خانه شده است. دیگر اتاق نمی‌گفت، می‌گفت «خانه‌ام». بعد از مدتی ناگزیر شد آن‌جا را هم ترک کند و دنبال اتاق برود. بعد از چند روز سرگردانی اتاقی در «پُل سوخته» پیدا کرد. این همان اتاقی بود که در شب هفتم میزان در آن جان باخت.

راتب مثال اعلایی کسی است که تمام عمر خودش را صرف پیدا کردن یک وجب زمین می‌کند تا در آن بمیرد. راتب اما به این کار موفق نشد. او در آوارگی و بی‌خانمانی مُرد. شاید بتوان گفت او اتاقی به کرایه گرفت تا در آن بمیرد. او در اتاق کرایی مُرد. رازی که در قسمت نخست از آن یاد شد راز «آوارگی» و «بی‌خانمانی» راتب است. حقیقت این است که راتب بدون خانه بود، او آواره بود. گاهی در «پُل سرخ» بود گاهی در «پُل سوخته»، مدتی در «دشت برچی» بود و زمانی در بامیان. بنابراین، ترکیب «خانه‌ی راتب» ترکیب متناقض است. پس چرا من از این ترکیب استفاده می‌کنم؟ خانه‌ی راتب کجاست؟

برای یافتن پاسخ از آدورنو کمک می‌گیریم: برای انسانی که دیگر خانه‌ای ندارد تا در آن زندگی کند، نوشتن تبدیل به مکانی برای زندگی می‌شود. بنابراین، اگر قرار است راتب خانه‌ای داشته باشد، همانا نوشته‌ها و کتاب‌هایش است. راتب در نوشتار اسکان یافته است. راتب می‌بایست در نوشته‌ها و کتاب‌هایش ملاقات شود، در خانه‌ای که او با خون دل بنیاد کرد. به عبارت دیگر، او توانست در ورای آوارگی و بی‌خانمانی برای خودش خانه‌ای بسازد. او خانه‌اش را بر فراز آوارگی بنا کرد. کتاب «مالیخولیا و تردید» در یک‌سالگی مرگش در کابل چاپ شد. اینک در دوسالگی این مرگ قرار داریم. قرار بود در دوسالگی کتاب دومش نیز به چاپ برود، اما بنا بر مشکلاتی این مهم انجام نشد. امیدوارم این کتاب نیز به‌زودی آماده‌ی چاپ شده و به دسترس خوانندگان قرار بگیرد.

۳- هرمنوتیک؛ راه ورود به خانه

چنانچه انتظار می‌رود، پرسش کلیدی در این بخش این است که «چگونه می‌توان به این خانه ورود کرد؟ با چه ابزاری؟...» به عبارت دیگر، تحت چه شرایطی من می‌توانم با این خانه مواجه شوم؟ این پرسش زمانی فوریت می‌یابد که «مؤلف واقعا مُرده باشد!». بنابراین، متن به خودبنیادی دست پیدا کرده است و شرایط خاصی می‌طلبد تا با آن مواجه شد. این شرایط را «هرمنوتیک» فراهم می‌کند. هرمنوتیک حکم می‌کند که متن خودبنیاد است و بنابراین، به‌عنوان یک طرف در این گفت‌وگو حاضر می‌شود. به تعبیر دیگر، هرگونه چشم‌پوشی از متن و تلاش برای دور زدن متن خوانش مورد نظر را خدشه‌دار کرده و از اعتبار می‌اندازد.

در یک سالی که از چاپ «مالیخولیا و تردید» گذشت چندین نقد و خوانش از این کتاب صورت گرفت، اما بخشی زیادی از این نقدها و خوانش‌ها در سطح «کلی‌گویی»های رایج متوقف ماند. کتاب حاوی ایده‌ها، موضوعات و استدلال‌های مشخص است، اما خوانش‌ها و نقدها بدون اندک‌ترین توجه به محتوای کتاب و ایده‌های مطرح‌شده در آن، ساز خودشان را زده‌اند. به طور مثال، عناوین مقالات بخش نخست کتاب از این قرار است: «پاره‌هایی برای میل و هراس»، «متن، معنا، وجود و فقدان»، زندگی تنهایی در جهان-تصویرها»، «زبان-تصویر-معنا»، «قواعد معناسازی گزاره‌ها در تتوس و تراکتاتوس»، «هرمنوتیک چیست؟»، «اندیشه‌ی ناعقلانی»، «کلمات و اشیا»، «در باب امکان عبور از خود»، «مرگ جهان-تصویر» و «رنج تفاوت». مقالات هرکدام موضوعات و ایده‌های مشخصی را پیش می‌کشد، ادعاهای مطرح‌شده در کتاب روشن است، اما نقدها و خوانش‌ها اندک‌ترین توجه به محتوای مقالات، ایده‌ها و ادعاهایی مطرح‌شده در آن ندارند. برعکس، چیزهای یکسر نامربوط به کتاب پیوند زده می‌شود و به نام نقد و خوانش عرضه می‌شود. به‌نظر می‌رسد اگر نویسنده زنده بود بخشی زیادی از این نقدها و خوانش‌ها هیچ‌گاه عمومی نمی‌شد. بنابراین، یکی از نتایج چنین وضعیتی این است که نقدها و خوانش‌ها از لحاظ اخلاقی قابل دفاع نیست، امر غیراخلاقی است. هیچ کس مخالف نقدی مبتنی بر متن و ایده‌های مطرح‌شده در کتاب نیست، اما همگان مخالف پیوند زدن امور نامربوط به کتاب تحت عناوین نقد و خوانش‌اند. چرا باید من قضاوتم را در مورد زندگی نویسنده‌ای که دیگر در میان ما نیست تحت عنوانین نقد و خوانش همگانی بسازم؟ این چه نقد و خوانشی است که حتا یک‌بار به کتاب ارجاع داده نمی‌شود؟ مشروعیت این دست نقدها و خوانش‌ها از کجا می‌آید؟... این‌ها پرسش‌هایی است که می‌بایست در برابر تک تک ما قرار داده شود.

برای انسانی که دیگر خانه‌ای ندارد تا در آن زندگی کند، نوشتن تبدیل به مکانی برای زندگی می‌شود. مواجهه با این زندگی می‌بایست از بنیاد هراس‌انگیز باشد. هرگونه مواجهه‌ی سرسری و هرگونه نسبت‌دادن‌های غیرمسئولانه به چنین زندگی‌ای توجیه‌ناپذیر و غیراخلاقی است. این تازه آغاز نقد و خوانش است...

یاد و خاطر عمران راتب گرامی باد!

گزارش

یک بام و دو هوا؛ شروع درس‌های دوران ابتداییه و متوسطه‌ی مکاتب دولتی مشخص نیست

لیاقت لایق
گزارشگر

پس از هفت ماه از شیوع ویروس کرونا بخش عمده‌ای از مکاتب دولتی در افغانستان هنوز بسته است. این موضوع نگرانی‌های اعضای مجلس نمایندگان و شماری از فعالان بخش آموزش و پرورش را برانگیخته است. آنان از بی‌توجهی نسبت به سرنوشت میلیون‌ها کودک انتقاد می‌کنند.

هرچند، با کم‌شدن آمار رسمی شیوع ویروس کرونا، اخیرا وزارت معارف در هماهنگی با وزارت صحت عامه، آغاز درس‌های حضوری صنف یازدهم و دوازدهم مکاتب دولتی و تمام مکاتب خصوصی را اعلام کرد. اما درس‌های حضوری از صنف اول تا دهم مکاتب دولتی هنوز آغاز نشده است.

نوریه نزهت، سخن‌گوی وزارت معارف به اطلاعات روز می‌گوید طرح بازگشایی مکاتب برای تصویب به ریاست‌جمهوری فرستاده شده، اما معلوم نیست که چه زمان در کابینه تصویب یا رد می‌شود. خانم نزهت در مورد جزئیات طرح بازگشایی مکاتب جزئیات نداد، اما گفت که این کار به تدریج و با انعطاف‌پذیری نسبت به شرایط شیوع ویروس کرونا انجام خواهد شد.

کارزار بازگشایی مکاتب

اخیرا شماری از فعالان مدنی و کارگزاران فعالیت‌های آموزش و پرورش کارزاری را در شبکه‌های اجتماعی به راه انداخته‌اند که در آن خواهان بازشدن مکاتب در تمام سطوح‌اند. فرشته کریم، از مسئولان این کارزار در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید که با بسته‌ماندن مکاتب دولتی از صنف اول تا دهم، میلیون‌ها کودک در معرض آسیب‌های جدی قرار گرفته است. او می‌گوید حکومت و کابینه نسبت به این موضوع «حساس و سرنوشت‌ساز» بی‌توجهی کرده و تصویب طرح بازگشایی مکاتب را به تعویق می‌اندازد.

فعالان مدنی و شماری از کارگزاران فعالیت‌های آموزش و پرورش می‌گویند که ادامه‌ی بسته‌ماندن بخشی از مکاتب سبب ایجاد شکاف اجتماعی، آموزشی و تربیتی می‌شود. از این‌که تمام مکاتب خصوصی باز است اما بخش عمده‌ای از مکاتب دولتی (صنوف اول تا دهم) که بیش‌تر کودکان خانواده‌های فقیر را شامل می‌شود بسته، است. از این‌رو کودکان نادار و فقیر بیش‌تر از پیش متأثر شده و از رشد باز می‌مانند. از جانب دیگر با بسته‌ماندن مکاتب دولتی، خانواده‌های پولدار تصمیم می‌گیرند که کودکان‌شان را به مکاتب خصوصی بفرستند. درحالی‌که کودکان فقیر همچنان در معرض آسیب باقی می‌مانند.

خانم کریم می‌گوید دلیل منطقی برای بسته‌ماندن مکاتب به‌ویژه بخشی که بیش‌تر مربوط کودکان‌اند وجود ندارد؛ آن هم در شرایطی که تمام دانشگاه‌ها و مکاتب خصوصی باز شده است. همچنین شرایط قرنطین در هیچ سازمان دولتی و خصوصی مراعات نمی‌شود، تنها بسته‌ماندن بخشی از مکاتب تأثیری برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا ندارد. به گفته‌ی خانم کریم، بسته‌ماندن مکاتب دولتی صرف دستاویز تبلیغاتی و نمایشی برای حکومت است برای این‌که نشان دهند در برابر شیوع ویروس کرونا برنامه دارند، درحالی‌که این کار با رعایت‌نشدن شرایط قرنطین در تمام بخش‌های دیگر تأثیر ندارد.

مسئولان وزارت معارف می گویند که بازگشایی مکاتب همانند سایر کشورها به تدریج و مرحله‌ای انجام می‌شود. نوریه نزهت، سخن‌گوی وزارت معارف می‌گوید که از اول شیوع ویروس کرونا تاکنون برنامه‌های این وزارت اضطراری بوده و در آینده نیز چنین خواهد بود. به گفته‌ی او مکاتب در تمام سطوح به تدریج باز می‌شود و با آن هم با شرایط شیوع ویروس کرونا تصمیم‌ها تغییر خواهد کرد.

آسیب‌های جدی به کودکان

فعالان مدنی و اعضای مجلس نمایندگان می‌گویند که خطر شیوع ویروس کرونا وجود ندارد و یا دست‌کم این خطر بسیار کم‌تر از آن است که در این شرایط سبب محروم‌ماندن تنها کودکان از آموزش و پرورش شود و آسیب‌های جدی را متوجه آنان کند. درحالی‌که شرایط قرنطین در تمام سطوح بخش‌های دیگر رعایت نمی‌شود.

مسعوده کرخی، عضو کمیسیون امور دینی، معارف و تحصیلات عالی مجلس نمایندگان به اطلاعات روز می‌گوید که بر اثر بسته‌ماندن مکاتب بیش از ده میلیون کودک و نوجوان بی‌سرنوشت شده‌اند و نباید بیش‌تر از این این حالت ادامه یابد. خانم کرخی گفت که این کار میزان جرم و بی‌بند و باری را میان جوانان و کودکان افزایش داده است. درحالی‌که صدها هزار کارمند و آموزگار معاش دریافت می‌کنند، اما کودکان بدون دلیل موجه در بی‌سرنوشتی و بی‌برنامه‌گی قرار دارند.

مسعوده کرخی، عضو مجلس نمایندگان، حکومت را به بی‌برنامگی و بی‌توجهی متهم می‌کند و می‌گوید سیاست «یک بام و دو هوا» قابل قبول نیست: «درحالی‌که تمام نهادهای خصوصی و دولتی دیگر باز شده، اما به قشر آسیب‌پذیر کودکان و نوجوانان توجه نمی‌شود.» به گفته‌ی خانم کرخی خطر شیوع ویروس کرونا تنها در کودکان نیست، حکومت باید به زودترین فرصت طرح بازگشایی مکاتب در تمام سطوح را تصویب کند.

درحالی‌که به گفته‌ی خانم کرخی، وزارت‌های صحت عامه و معارف وعده‌ی بازگشایی مکاتب دولتی را در اول میزان داده بودند، اما هنوز به این وعده عمل نشده و حکومت همچنان به بی‌توجهی‌اش ادامه داده است.

خانم کریم می‌گوید از آسیب‌های جدی بسته‌ماندن مکاتب برای کودکان فقیر به‌ویژه دختران این است که آنان ممکن است برای همیشه از رفتن به مکتب محروم شوند. خانم کریم می‌گوید ممکن است در این فاصله‌ی زمانی خانواده‌های فقیر فرزندان‌شان را برای کار بفرستند، یا این‌که بهانه‌ای شود که دختران‌شان را بنابر فرهنگ سنتی و عرفی از مکتب‌رفتن بازدارند و دیگر هرگز به مکتب نفرستند. این تهدیدها متوجه دختران و پسران‌اند به‌ویژه در خانواده‌های فقیر بیش‌تر با فرهنگ‌های سنتی و عرفی.

از انتقادهای جدی اعضای مجلس نمایندگان و فعالان مدنی این است که کودکان بیش‌تر نیاز به تداوم برنامه‌های درسی‌شان دارند. از این‌که زود فراموش می‌کنند و با فاصله‌ی زمانی زیاد از کتاب، درس و مشق‌شان به‌ویژه در خانواده‌های فقیر بیش‌تر در معرض آسیب قرار دارند. میلیون‌ها کودک اکنون در هفت ماه از شیوع ویروس کرونا از درس و مشق‌شان دور مانده‌اند. درحالی‌که وزارت معارف پیش از این درس‌های حضوری صنوف یازدهم و دوازدهم که بیش‌تر جوانان و نوجوانان‌اند آغاز کرده است.

تهدید کرونا

استدلال وزارت معارف این است که شمار دانش‌آموزان در سطوح پایین مکاتب، بیشتر از سطح بالا است. همچنان میزان دانش‌آموزان در مکاتب خصوصی کم‌تر از مکاتب دولتی است. ازین‌رو امکان جلوگیری از شیوع کرونا در مکاتب خصوصی و سطوح بالای مکاتب دولتی بیش‌تر است.

درخواست بازگشایی مکاتب در تمام سطوح در حالی است که با سردشدن هوا تهدید اوج‌گیری دوباره‌ی شیوع ویروس کرونا وجود دارد. در شماری از کشورهای اروپا و کشور همسایه‌ی ایران موج‌های دوم و سوم شیوع ویروس کرونا آمده است. وزارت صحت عامه‌ی افغانستان نیز اخیرا هشدار داده که امکان موج دوم شیوع ویروس کرونا در فصل سرما وجود دارد.

سخن‌گوی وزارت معارف می‌گوید که طرح بازگشایی مکاتب در تمام سطوح را در حالی آماده کرده است که شیوع ویروس کرونا میان دانش‌آموزان مکاتب خصوصی و صنوف یازدهم و دوازدهم مکاتب دولتی قابل نگرانی نبوده است. او گفت که در این طرح رعایت نکات بهداشتی گنجانیده شده است. خانم نزهت گفت که بیش‌تر مکاتب خصوصی تاکنون شرایط بهداشتی را مراعات کرده و در مکاتب دولتی نیز تلاش می‌شود که مراعات شود.

این در حالی است که هفته‌های پیش دانشگاه غور به‌دلیل مبتلاشدن ۳۰ دانشجو به ویروس کرونا بسته شد. همچنان مسئولان صحی ولایت هرات در ۲۶ سنبله اعلام کردند که ۱۰ آموزگار و ۹ دانش‌آموز در طی یک هفته در هرات به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند.

طنز

آداب مخالفت کردن

عیسا قلندر
طنزنویس

دنیای انسان‌ها، دنیای مملو از آداب است. کریسپوکلیچ، محقق روسی-آلمانی در اواخر قرن بیستم وقتی به افغانستان سفر کرده بود، در حوالی مندوی کابل پیرمرد ابزاربندفروشی را دیده بود که نصوار استفاده می‌کند. وقتی آن پیرمرد قطی آیینه‌دار نصوارش را از جیب واسکتش درمی‌آورد و ابتدا صورتش را در آیینه می‌بیند و بعد قطی را کف دست چپش می‌گذارد و چند ضربه‌ی خفیف با کف دست راستش به قطی وارد می‌کند و سپس در آن را باز کرده و از میان قطی کمی نصوار کف دستش می‌گذارد و آن را در دهانش انداخته و زیر زبان نگهش می‌دارد، کریسپوکلیچ همان‌جا به وسعت آداب و نقش آداب در حیات و پیشرفت بشر فکر می‌کند و در برگشت به آلمان، سه جلد کتاب در مورد آداب رفتاری بشر می‌نویسد.

این محقق در جریان نوشتن کتابش متوجه می‌شود که افغان‌ها با بسیاری از مسایل عادی و عمومی جهان مخالفت دارد. برای همین تشویق می‌شود که دوباره به افغانستان سفر کند و در مورد این مخالفت‌ها بداند. او در جلد سوم کتابش، یک فصل تحت عنوان «آداب مخالفت کردن» نوشته است که قسمت عمده‌ی آن را از افغان‌ها الهام گرفته. ما چند مورد ازین آداب را به عنوان مثال ذکر می‌کنیم.

۱- تعدادی از افغان‌ها با رفتن دختران‌شان به مکتب و درس‌خواندن‌شان مخالفند. آداب مخالفت با دخترانی که می‌خواهند درس بخوانند، زیاد است. در بعضی از جاهای افغانستان، وقتی دختر به پدرش می‌گوید که می‌خواهد درس بخواند، پدرش در جا با مشت به دهن دخترش می‌زند و اخطار می‌دهد که دیگر هرگز نام درس را پیش او نگیرد. در بعضی جاهای دیگر مخالفت نرم‌تری می‌شود. مثلا به دختر گفته می‌شود که «تو یک دختری، درس بخوانی هم چند سال بعد شوهر کرده غلام شوهرت می‌شوی، درس نخوانی هم. برو به‌جای درس‌خواندن، کالاشویی و نان پختن را یاد بگیر که صبا از خانه شویت ایلا نشوی».

۲- احتمالا شما هم متوجه شده‌اید که بزرگان افغانستان هرکدام یک بلک‌لیست طولانی از افرادی دارند که دوست ندارند هیچ یادی از آن‌ها بشود. به‌طور مثال، انجنیر صاحب گلبدین حکمتیار اصلا راضی نیست که هواداران داکتر نجیب، برنامه‌ی یادبود از مرگ و زندگی وی را در کابل تجلیل کنند. آقای حکمتیار در قالب آداب مخالفت‌کردن به یکی رسانه‌ها گفته است: «درست است که یک آزادی نیم‌کله داریم، اما معنای آزادی و انسانیت این نیست که از افراد مانند داکتر نجیب هم یادآوری صورت بگیرد. ما که چند دهه تفنگ به دست گرفتیم و راکت شانه کردیم و خون جاری ساختیم برای این نبود که از هر کس و ناکسی یادآوری و گرامی‌داشته شود. ما می‌دانیم که پشت برنامه‌های تجلیل و گرامی‌داشت از داکتر نجیب، دست کشورهای بیرونی است. ما به دولت افغانستان هشدار می‌دهیم که هنوزهم ظرفیت و هوس راکت‌پرانی را داریم و اگر جلو این بی‌بندباری‌ها گرفته نشود، آن وقت شاید خود خدا هم نتواند ما را مهار کند».

۳- مخالفت با درست تطبیق‌کردن پروژه‌های عام‌المنفعه هم از خود آدابی دارد. به‌طور مثال، شما دوست ندارید لین برق از ولایت بامیان بگذرد. این حق طبیعی شماست که دوست نداشته باشید و مخالف آن باشید. شما چه‌قدر مخالفت می‌کنید؟ باید آداب مخالفت را رعایت کنید. مخالفت کار ساده‌ای‌ست، مثلا اگر کل متخصصین جهان آمدند و گفتند که مسیر بامیان به نفع افغانستان است، شما قبول نکنید. به آن‌ها بگویید که متخصصین دیگر خر کیست؟ این‌جا تخصص-مخصص آنتن نمیته لالا زورت می‌رسه بگیر از بامیان تیرش کو، نمی‌رسه گوشه شو که ما از دیگه جای تیرش کنیم.

درگیری نظامی آذربایجان و ارمنستان در قره‌باغ

اطلاعات روز: درگیری نظامی بین نیروهای نظامی آذربایجان و ارمنستان در منطقه مورد مناقشه قره‌باغ مجددا از سر گرفته شده و تاکنون حداقل یک هلیکوپتر نظامی آذربایجان ساقط شده است.
به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، نیکول پاشینیان، نخست وزیر ارمنستان گفته است که آذربایجان حملاتی هوایی و توپخانه‌ای انجام داده است.
آذربایجان نیز می‌گوید که ارمنستان خط مقدم مرزی را گلوله باران کرده است.
هر دو کشور می‌گویند که شهروندان غیرنظامی در پی این درگیری نظامی کشته شده‌اند.
وزارت خارجه روسیه خواستار آتش‌بس فوری و آغاز گفتگوها برای بازگرداندن آرامش شده است.
هر دو کشور آذربایجان و ارمنستان پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ جزئی از آن بودند.
چهار دهه است که مناقشه بر سر مالکیت منطقه قره‌باغ موجب تنش در این منطقه شده است، از لحاظ حقوق بین‌الملل این منطقه بخشی از جمهوری آذربایجان است اما تحت کنترل اقوام ارمنی قرار دارد.
در چند ماهه اخیر درگیری‌ها بر سر منطقه مورد مناقشه قره‌باغ مجددا از سر گرفته شده است.
دو ماه پیش نیز در درگیری‌های مرزی حداقل ۱۶ نفر کشته شدند و بزرگترین تظاهرات سال‌های اخیر در باکو پایتخت آذربایجان انجام شد و تظاهرات کنندگان خواستار بسیج کامل نیروها و بازپس گیری کامل منطقه از ارمنستان شدند.
وزارت دفاع ارمنستان می‌گوید که حمله به محل‌های مسکونی در شهر استپاناکرت اندکی پس از ساعت ۸ صبح وقت محلی از سوی آذربایجان انجام شده است.
ارمنستان می‌گوید که تاکنون دو هلیکوپتر و سه پهپاد و سه تانک آذربایجان را در حملاتش نابود کرده.
در بیانیه وزارت دفاع ارمنستان آمده است که «پاسخ ما متناسب خواهد بود و رهبری نظامی - سیاسی آذربایجان مسئول کامل وضعیت پیش آمده است».
سخنگوی وزارت دفاع ارمنستان همچنین گفت که یک مادر و بچه در اثر حمله آذربایجان کشته شده‌اند.
جدایی‌طلبان ارمنستان در منطقه تحت کنترل‌شان حکومت نظامی برقرار کرده‌اند و از همه مردان خواسته‌اند که برای جنگ «بسیج کامل نظامی» شوند.
در همین حال آذربایجان نیز گفته است که «عملیات نظامی بر علیه نیروهای نظامی که در نوار مرزی فعالیت می‌کردند انجام شده تا نسبت به امنیت مردم غیرنظامی اطمینان حاصل شود».
وزارت دفاع آذربایجان می‌گوید که چندین روستا از این حملات آسیب دیده‌اند و افراد غیرنظامی نیز کشته شده‌اند.
آذربایجان می‌گوید که یک هلیکوپتر را از دست داده اما تمامی سرنشینان آن نجات پیدا کرده‌اند و این کشور ۱۲ محل تاسیسات دفاع هوایی ارمنستان را نابود کرده است.
در سال ۲۰۱۶ درگیری نظامی در این منطقه به مدت چهار روز به طول انجامید.
سازمان امنیت و همکاری اروپا سالهاست تلاش دارد تا از طریق دیپلماتیک به راه حلی برای این مسئله از طریق گفتگو و تفاهم دست یابد و صلح را در این منطقه برقرار کند.

ترمپ، ایمی کُنی برت را برای تصدی پست قاضی دیوان عالی امریکا معرفی کرد

اطلاعات روز: دونالد ترمپ، رییس‌جمهوری امریکا، روز شنبه ایمی کُنی برت، را به عنوان نامزد تصدی پست قاضی دیوان عالی امریکا معرفی کرد.
به گزارش ایران اینترنشنال، ترمپ در مراسمی که برای معرفی برت در کاخ سفید برگزار شد، برت را «زنی با معلومات و شخصیت چشمگیر» توصیف کرد و خاطرنشان کرد که برای انتخاب او به دقت مطالعه کرده است.
کُنی برت به مواضع محافظه‌کار مذهبی شهرت داد و در صورتی‌که به تایید سنا برسد، جایگزین روث بیدر گینزبرگ لیبرال خواهد شد تا محافظه‌کاران در دیوان عالی امریکا به اکثریت قاطع برسند.
برت سومین قاضی معرفی شده از سوی ترمپ برای دیوان و ششمین قاضی از ۹ قاضی دیوان عالی است که از سوی یک رییس‌جمهور جمهوری‌خواه انتخاب می‌شود.
برت که احتمالا جایگزین قاضی لیبرال روث بیدر گینزبرگ خواهد شد، انتظار می‌رود طبق نظر جمهوری‌خواهان محافظه‌کار و مسیحیان انجیلی حق سقط جنین را محدودتر کند.
پس از درگذشت قاضی گینزبرگ در ۲۸ سنبله، ترمپ که در ماه‌های آخر دور اول ریاست‌جمهوری خود قرار دارد، وعده داد که جایگزین او را به سرعت معرفی خواهد کرد.
جمهوری‌خواهان نیز که در سنا اکثریت را در اختیار دارند اعلام کرده‌اند رای‌گیری برای نامزد مورد نظر رییس‌جمهور را تا پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار خواهند کرد.
اسوشیتدپرس به نقل از منابع آگاه خبر داد کمیته قضایی سنای امریکا قصد دارد مراسم رای‌گیری برای تایید قاضی ایمی کُنی برت برای دیوان عالی را پس از ۲۱ ماه میزان برگزار کند.

میچ مک‌کانل رهبر اکثریت جمهوری‌خواه مجلس سنا در واکنش به معرفی برت در توییتی نوشت: «قاضی ایمی کُنی برت، یک حقوق‌دان فوق‌العاده و نامزدی کاملا واجد شرایط برای کرسی دیوان عالی است. یک محقق درخشان، یک قاضی نمونه است. رییس‌جمهور ترمپ تصمیمی بهتر از این نمی‌توانست بگیرد.»
بن کارسون، وزیر مسکن و عضو ارشد حزب جمهوری‌خواه در توییتی نیز نوشت: «انتخاب رییس‌جمهوری امریکا را برای دیوان عالی، تحسین می‌کنم. قاضی ایمی کُنی برت خود را به عنوان حقوقدان، محقق، وکیل و قاضی ثابت کرده و تجربه و پایبندی او به قانون اساسی او را به یک نامزد عالی برای این سمت تبدیل کرده است.»
در مقابل، دموکرات‌ها که با درگذشت گینزبرگ شاهد کاهش نفوذ لیبرال‌ها در دیوان عالی هستند، تاکید دارند قاضی جدید دیوان عالی باید از سوی شخص پیروز در انتخابات ریاست‌جمهوری ماه عقرب معرفی شود.
پس از اعلام نامزدی برت، جو بایدن، نامزد حزب دموکرات برای ریاست‌جمهوری امریکا در توییتی نوشت: «امروز رییس‌جمهوری ترمپ قاضی ایمی کُنی برت را برای کرسی دیوان عالی معرفی کرد. کسی که سابقه مخالفت کتبی با تصمیم دادگاه برای تایید قانون بیمه درمانی به‌صرفه [بیمه مصوب دولت اوباما] را دارد. طوری رای دهید که انگار بیمه درمانی شما روی صندوق رای قرار دارد. چرا که واقعا همینطور است.»
کاملا هریس، معاون جو بایدن-نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا- نیز ضمن ابراز مخالفت خود برای این انتخاب در توییتی نوشت: «انتخاب ترمپ برای جانشینی کرسی قاضی فقید گینسبرگ آشکار کرد که آنها می‌خواهند برنامه بیمه مقرون به صرفه را نابود کنند. این انتخاب، دیوان عالی را برای یک نسل به سمت راست‌گرایی سوق خواهد داد و به میلیون‌ها امریکایی آسیب می‌زند. من به شدت با نامزدی قاضی بارت مخالفم.»
از سوی دیگر چاک شومر رهبر اقلیت دموکرات در مجلس سنا نیز در توییتی واکنش خود را برای انتخاب برت اعلام کرد و نوشت: «رای به قاضی ایمی کُنی برت، در واقع رای به حذف خدمات بهداشتی میلیون‌ها نفر در هنگامه شیوع یک بیماری همه‌گیر است. دموکرات‌ها برای خدمات بهداشتی امریکایی‌ها مبارزه می‌کنند.»

هشدار درباره آب آلوده به میکروب «مغزخوار» در تگزاس

اطلاعات روز: مقام‌های ایالات تگزاس در امریکا درباره استفاده از آب لوله‌کشی به ساکنان شهر لیک جکسون هشدار داده‌اند، چون می‌گویند در مخزن اصلی آب شهر نوعی میکروب مرگبار «مغزخوار» پیدا شده است.
به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، آزمایش‌ها وجود «نگلریا فاولری» را در آب شهر تایید کرده که نوعی آمیب است که باعث عفونت مغزی می‌شود و معمولا مرگبار است.
موارد ابتلا به این عفونت در امریکا نادر است و بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ میلادی ۳۴ مورد از این بیماری گزارش شده است.
مقام‌های شهر لیک جکسون گفته‌اند که گندزدایی مخازن آب شروع شده اما مطمئن نیستند که چقدر طول خواهد کشید.
روز جمعه ۲۵ سپتامبر از ساکنان هشت منطقه ایالت تگزاس خواسته شد از آب لوله‌کشی مگر برای سیفون توالت هیچ استفاده دیگری نکنند. این هشدار روز شنبه برداشته شد به جز برای شهر لیک جکسون که جمعیتی حدود ۲۷ هزار نفر دارد.
مسئولان اندکی بعد گفتند که ساکنان شهر می‌توانند از آب لوله کشی استفاده کنند به شرط آن که ابتدا آن را بجوشانند. از مردم لیک جکسون خواسته شده موارد دیگری را هم رعایت کنند از جمله این که هنگام دوش گرفتن از وارد شدن آب به بینی خودداری کنند.
هشدار داده شده که کودکان، افراد مسن و کسانی که سیستم ایمنی ضعیفی دارند بیش از همه در معرض خطر هستند.
تحقیقات درباره مخزن آب شهر بعد از آن آغاز شد که یک کودک شش ساله در اثر آلوده شدن به این میکروب جان خود را از دست داد.
نگلریا فاولری به طور طبیعی در آب شیرین زیست می‌کند و در نقاط مختلف دنیا پیدا می‌شود. این آمیب معمولا از طریق آب آلوده و از راه بینی وارد بدن می‌شود و در نهایت به مغز می‌رسد.
به گفته مرکز کنترل و پیشگیری بیماری در امریکا این عفونت معمولا هنگام شنا کردن یا شیرجه زدن در آب‌های گرم و شیرین رخ می‌دهد. این مرکز می‌گوید نوشیدن آب آلوده باعث عفونت نمی‌شود و این آمیب از فرد مبتلا به دیگران سرایت نمی‌کند.
تب، حالت تهوع و استفراغ در کنار گرفتگی گردن و سردرد از جمله علائم ابتلا به نگلریا فاولری است. بیشتر مبتلایان ظرف یک هفته جان خود را از دست می‌دهند.
چند ماه پیش هم وجود این میکروب در ایالات فلوریدا تایید شد و مقام‌های محلی از مردم خواستند از رسیدن آب به بینی خود جلوگیری کنند.

مکرون: لوکاشنکو باید برود

اطلاعات روز: پس از آن که اتحادیه اروپا اعلام کرد الکساندر لوکاشنکو را به عنوان رییس‌جمهور جدید بلاروس به رسمیت نمی‌شناسد، امانوئل مکرون، رییس‌جمهوری فرانسه، هم یکشنبه ششم میزان گفت، آقای لوکاشنکو باید از قدرت کناره‌گیری کند.
امانوئل مکرون به مجله هفتگی du Dimanch گفته است، «خیلی واضح است که او باید برود.»
به نقل از رادیو فردا، رییس‌جمهوری فرانسه تصریح کرد، این یک بحران قدرت است، یک مستبد که نمی‌تواند منطق دموکراسی را بپذیرد و به زور متکی است. روشن است که لوکاشنکو باید برود.
به دنبال اعلام نتایج انتخابات ۹ اگست در بلاروس ده‌ها هزار نفر به خیابان‌ها آمده‌اند و به نتیجه این انتخابات اعتراض کرده‌اند.
کمیته انتخابات بلاروس مدعی است الکساندر لوکاشنکو که طی ۲۶ سال گذشته قدرت را در کشور در دست داشته، بیش از ۸۰ درصد آرا را به دست آورده است. معترضان، اتحادیه اروپا و امریکا می‌گویند در نتایج انتخابات دستکاری شده است و تعدادی از مقامات بلاروس به خاطر تقلب در انتخابات و سرکوب معترضان، مورد تحریم امریکا و اروپا واقع شده‌اند.
الکساندر لوکاشنکو برای مقابله مخالفان دست به سرکوب گسترده اعتراضات زده است که واکنش و محکومیت کشورهای غربی را در پی داشته است. این در حالی است که روسیه از اقدامات الکساندر لوکاشنکو حمایت کرده است. آقای لوکاشنکو روز چهارشنبه گذشته در مراسمی مخفیانه و ناگهانی به عنوان رییس‌جمهور جدید بلاروس سوگند یاد کرد.
رییس‌جمهوری فرانسه می‌گوید، تحت تاثیر شجاعت معترضان قرار گرفتم.
امانوئل مکرون تاکید کرده است که معترضان به رغم آگاهی از خطرات اخر هفته‌ها به خیابان‌ها می‌آیند و جنبش برای دموکراسی را زنده نگه داشته‌اند.
رییس‌جمهوری فرانسه در ادامه از نقش زنان در رهبری اعتراضات بلاروس تمجید کرده است.
اعتراضات روز شنبه درمینیسک و دیگر شهرهای بلاروس ادامه داشت و نیروهای امنیتی ده‌ها نفر از معترضان به نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور را بازداشت کردند.
گروه مدافع حقوق بشر «ویانسا» در بلاروس فهرست ۵۹ زن بازداشت شده در روز شنبه را منتشر کرده است. بازداشت زنان معترض سفیدپوش که پرچم‌های سرخ و سفید حمل می‌کردند، بلافاصله بعد از آغاز به تجمع آنها در میسنک، پایتخت کشور انجام شده است.
تاکنون هزاران نفر در اعتراضات بلاروس بازداشت شده و گزارش‌های متعددی از شکنجه و سرکوب خشن معترضان منتشر شده است، موضوعی که دولت بلاروس آن را رد می‌کند.

ACCA و FIA
100 % بورسیه بانک جهانی
توسط وزارت مالیه (MoF) و اداره محاسبین مسلکی افغانستان (CPA)
ثبت نام جریان دارد
CBA
+93 202 502 968
1st Apartment, 2nd Floor, Karte-e 4 Center, Karte-e 4, Kabul Afghanistan
www.cba.edu.af
انجمن حسابداران مسلکی یا (ACCA) یک دوره‌ی آموزشی حسابداری معتبر بین‌المللی برگزار میکند که دارای زمینهی کاری خوبی در افغانستان است. در حال حاضر (ACCA) در پیش از 180 کشور دنیا فعالیت دارد که افغانستان هم یکی از ان کشورها است. بانک جهانی با همکاری وزارت مالیه و انجمن حسابداران مسلکی افغانستان بورسیه‌های تحصیلی را برای علاقهمندان این دورهی تحصیلی فراهم میکند که شامل هزینه‌ی کامل ثبت‌نام، فیس، هزینه‌ی اشتراک سالانه و امتحان است.
این یک فرصت خوب برای فارغان مکاتب، دانشجویان و فارغان دانشگاه‌ها است که علاقهمند کار در زمینه‌ی حسابداری باشند.

تحریک کردن منچستریونایتد عاقبت ندارد

۵ بازیکنی که یونایتد را مسخره کردند و پشیمان شدند

نیل موپای بازیکن برایتون بعد از آنکه گل اول تیمش را به منچستریونایتد زد با گریه معروف امباپه‌ای دست به تمسخر این تیم زد اما در نهایت این یونایتد بود که به پیروزی رسید.
بازی دراماتیک شنبه شب برایتون و منچستریونایتد یک بار دیگر نشان داد که نباید شیاطین سرخ را در جریان بازی تمسخر کرد و کارشان را تمام شده دانست. دست کم در شش مورد دیگر وقتی بازیکنان تیمهای حریف برای پایین آوردن اعتماد به نفس یونایتدیها دست به چنین کاری زده اند در پایان بازی پشیمان شده اند. اتفاقی که در بازی شنبه شب برای موپای ستاره فرانسوی برایتون افتاد. موپای در دقیقه ۴۰ یک پنالتی را به گل تبدیل کرد تا برایتون از حریفش ۱-۰ پیش بیفتد. او بعد از این گل به سمت دوربینها رفت و با الهام گرفتن از کیلیان امباپه وانمود به گریه کردن کرد. حرکتی که به گریه امباپه‌ای معروف شده است.
برایتون در نهایت ۳-۲ بازنده شد آن هم به لطف پنالتی‌ای که در پایان بازی موپای انجام داد تا برونو فرنانندس آن را به گل سوم یونایتد تبدیل کند. از این به بعد شاید بهتر باشد بازیکنان حریفان یونایتد تا پایان بازی صبر کنند و وقتی خیال شان از بابت پیروزی راحت شد دست به تمسخر شیاطین سرخ بزنند.
اما این اولین بار نیست که تمسخرکنندگان یونایتد در نهایت از حرکت شان پشیمان شده اند:

آلن پاردو

سرمربی سابق کریستال پالاس در سال ۲۰۱۶ وقتی تیمش گل اول بازی را به یونایتد زد آنقدر خوشحال شد که شروع به اجرای رقصی عجیب و غریب در کنار زمین کرد. اما خوشحالی او تنها سه دقیقه طول کشید چرا که جسی لینگارد در وقتهای اضافه گلزنی کرد و پیروزی را نصیب شیاطین سرخ کرد.

آنخل دی ماریا

دی ماریا که در سال ۲۰۱۹ در چارچوب لیگ قهرمانان با پیراهن PSG به اولدترافورد بازگشته بود با سوتهای ممتد هواداران یونایتد روبرو بود. او در میانه مسابقه یک بطری را از روی زمین برداشت و وانمود کرد در حال نوشیدن آن است. دی ماریا و PSG آن شب ۲-۰ به پیروزی رسیدند ولی در بازی برگشت یونایتد ۳-۱ پیروز شد تا پاریسی ها را حذف کند.

دله آلی

در نیمه نهایی جام حذفی ۲۰۱۸ منچستریونایتد در دقیقه ۱۱ بازی مقابل تاتنهام از دله آلی گل خورد و عقب افتاد. دله آلی مقابل دوربین رفت و رقص موسوم به فلاس را اجرا کرد. اما در ادامه الکسیس سانچس سیزده دقیقه بعد کار را به تساوی کشاند و در نیمه دوم آندر هررا گل دوم را زد تا یونایتد راهی فینال شود.

کریستیانو رونالدو

کریستیانو رونالدو با اینکه اولین بار با پیراهن یونایتد به شهرت رسیده در سال ۲۰۱۸ وقتی با پیراهن یوونتوس مقابل این تیم گلزنی کرد جلوی خود را در شادی کردن نگرفت. ستاره پرتگالی در مقابل دوربینها پیراهن خود را بالا زد تا عضلات در هم رفته‌اش را به نمایش بگذارد.
البته رونالدو بعد از پایان شادی خود از هواداران یونایتد که مهمان بووه بودند عذرخواهی کرد ولی بازیکنان یونایتد مصمم شده بودند این حرکت او را پاسخ بدهند. یونایتد موفق به کامبک زدن شده و در نهایت ۲-۱ به پیروزی رسید.

گرت بیل: انرژی‌ام در تاتنهام به مراتب بیشتر شده

گرت بیل می‌گوید پیوستن به تاتنهام انرژی او را بیشتر کرده و در زمان حضور در رئال مادرید انرژی او به کمترین میزان ممکن رسیده بوده.

گرت بیل ستاره ولزی که امسال تابستان با یک قرارداد قرضی یک ساله از رئال مادرید راهی تاتنهام شده می‌گوید در دوران حضور در پایتخت اسپانیا انرژی اش را از دست داده بوده و حالا با پیوستن به تاتنهام انرژی او دوباره بیشتر شده است.
مصدومیت گرت بیل از ناحیه زانو که در تیم ملی ولز اتفاق افتاده باعث شد او بازی دیشب تاتنهام مقابل نیوکاسل را از دست بدهد ولی ستاره ولزی می‌گوید بی صبرانه منتظر بازگشت به زمین چمن است.
گرت بیل در مصاحبه با شبکه اسکای گفت: « از اینکه برگشته ام خوشحالم و با تمام وجود عاشق این باشگاه هستم. من اینجا خاطرات بی نظیری دارم و اینجا خوشحالم و احساس می‌کنم اعتماد به نفسم بیشتر شده. میزان انرژی من الان خیلی بیشتر از قبل است».
ستاره ولزی در ادامه گفت: « زمان تغییر رسیده بود. من مدتی بود که می خواستم چنین تغییری بوجود بیاورم ولی این اتفاق نیفتاد. این باشگاه برای من خیلی مهم است. تاتنهام بوده که به من فرصت داده و به نظرم در زمان خیلی خوبی به تیمم برگشتم. بی صبرانه منتظرم که برای تیمم به میدان بروم».

کلوپ: آرسنال قوی‌تر از آن است که تیم هشتم لیگ باشد

یورگن کلوپ می‌گوید آرسنال تیم ضعیفی نیست و اگر فصل گذشته زودتر آرتتا را روی نیمکت داشت می‌توانست در لیگ اروپا یا حتی چمپیونزلیگ حضور داشته باشد.
درحالیکه لیورپول امروز در یک بازی مهم در لیگ برتر به مصاف آرسنال می‌رود یورگن کلوپ سرمربی قهرمان فصل گذشته لیگ برتر می‌گوید نباید مقام هشتمی آرسنال در فصل گذشته به این معنی تلقی شود که آرسنال ضعیف شده. کلوپ می‌گوید اگر آرسنال فصل گذشته همکاری اش با آرتتا را زودتر شروع کرده بود نه تنها مقامی بهتر از هشتمی بدست می‌آورد بلکه می‌توانست امسال در لیگ اروپا یا حتی چمپیونزلیگ حضور داشته باشد.
کلوپ می‌گوید امسال رقابت برای قهرمانی لیگ برتر مسابقه‌ای دو طرفه بین لیورپول و منچسترسیتی نیست و تیم‌هایی مثل آرسنال و تاتنهام هم در این مسابقه حضور خواهند داشت.
سرمربی لیورپول در این باره گفت: « آرسنال فصل گذشته هشتم شد چون زمان کافی برای حل مشکلاتی که به آن دچار شده بود را نداشت. آنها از نظر قدرت واقعاً تیم هشتم لیگ نبودند و می‌توانستند به راحتی سهمیه لیگ اروپا یا حتی لیگ قهرمانان را بدست بیاورند. لیگ برتر لیگ بزرگی است و این تیم‌ها خیلی خوب هستند. به هیچ وجه نمی توان پیش از شروع فصل گفت که فلان تیم امسال قهرمان است».
کلوپ در ادامه گفت: « امسال خیلی تیم‌ها برای قهرمانی شانس دارند. چلسی و یونایتد که شانس واقعی دارند و آرسنال و تاتنهام هم از جمله تیم‌هایی هستند که واقعاً می‌توانند در این فصل قهرمانی را بدست بیاورند».

خبرهای کوتاه

سرمربی شالکه اخراج شد

باشگاه شالکه اعلام کرد سرمربی اش دیوید واگنر را به دلیل کسب نتایج ضعیف اخراج کرده.
باشگاه شالکه با انتشار بیانیه ای رسمی اعلام کرد سرمربی اش دیوید واگنر را به دلیل کسب نتایج ضعیف در شروع فصل ۲۰۲۰-۲۰۲۱ اخراج کرده است.
شالکه هفته گذشته در اولین بازی خود در شروع فصل جدید بوندس لیگا به مصاف بایرن مونیخ مدافع عنوان قهرمانی رفت و در این بازی با شکست تحقیرآمیز ۸-۰ به کار خود پایان داد. این شکست در مقابل حریف سنتی مدیریت و هواداران شالکه را عصبانی کرده بود. شالکه اما در هفته دوم هم شنبه به مصاف وردربرمن رفت و ۳-۱ شکست خورد. این شکستی بود که کاسه صبر مدیران شالکه را لبریز کرد.
اما علت اخراج واگنر تنها به این دو شکست منحصر نیست. شالکه در هیجده بازی اخیر خود در بوندسلیگا موفق به ثبت حتی یک برد نشده. واگنر ۴۸ساله در سال ۲۰۱۹ به شالکه پیوسته و در نیمه اول فصل گذشته نتایج خوبی گرفته بود.

احساس تلخ فاوره بعد از شکست دورتموند

سرمربی بوروسیا دورتموند از شکست برابر آگسبورگ ناراحت است با این حال تاکید کرد که تیمش فرصت زیادی برای جبران دارد.
به نقل از کیکر، بوروسیا دورتموند در هفته دوم بوندسلیگا به مصاف آگسبورگ رفت.
دورتموند که در دیدار نخست خود پیروزی پر گلی را به دست آورد در بازی دوم با دو گل تن به شکست داد.
لوسیان فاوره سرمربی دورتموند بعد از بازی گفت: احساس ناامیدی زیادی دارم. واقعا ناراحت هستم. بسیار سخت است که این شکست را قبول کرد اما به هر حال تن به شکست داده ایم و باید به دیدارهای بعدی فکر کرد. هنوز راه طولانی در پیش داریم.
او ادامه داد: ما کنترل بازی را در دست داشتیم. ۸۰ درصد توپ را در اختیار داشتیم با این حال بسیاری از اوقات در اختیار داشتن مالکیت زیاد توپ باعث پیروزی شما نمی شود. سرمربی دورتموند در پایان گفت: ما بازی را خوب آغاز کردیم اما نه دقت لازم را داشتیم و نه سرعت کافی را. تیم حریف خیلی خوب دفاع کرد. برای انتقال توپ از دفاع به حمله نیاز به آرامش بیشتری داشتیم. واقعا بسیار ناراحت هستیم. نباید به این سادگی امتیاز از دست دهیم.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت صحت عامه
ریاست عمومی طب معالجوی
ریاست شفاخانه‌ی تخصصی و ثالثی
ریاست شفاخانه رابعه بلخی
مدیریت عمومی اداری
مدیریت تدارکات

دافغانستان اسلامی جمهوریت دولت
دعامی روغتیا وزارت
دمعالجوی طب عمومی ریاست
دتخصصی او ثالثی روغتونو ریاست
درابعه بلخی روغتون ریاست
داداری مدیریت
دتدارکاتو مدیریت

«اعلان داوطلبی اعلان مجدد»

تهیه وتدارک ۳۱ قلم مواد تنظیفاتی
ریفرنس نمبر(MOPH/RBH/1399/NCB/G005)
{ریاست شفاخانه رابعه بلخی)ازتمام داوطلبان واجد شرایط جدت مینماید تا درپروسه داوطلبی (تهیه وتدار ۳۱ قلم مواد تنظیفاتی)تحت ریفرنس فوق اشتراک نموده ونقل سافت شرطنامه مربوطه را طوررایگان در فلش ازمدیریت تدارکات این اداره بدست آورده،آفرهای خویش رامطابق شرطنامه طورسربسته ،ازتاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰قبل ازظهر تاریخ ۲۸میزان ۱۳۹۹ به این ریاست تسلیم نمایند.آفرهای ناوقت رسیده وانترنتی قابل پذیرش نمیباشد.افرگشایی آن در وقت ذکرشده درمحل مندرج شرطنامه صورت خواهد گرفت.
تضمین آفر { تضمین بانکی به مبلغ ۱۰۰۰۰۰ افغانی }بوده وجلسه آفرگشایی به وقت ذکرشده دراتاق کنفرانس منزل دوم بلاک B شفاخانه رابعه بلخی تدویرمیگردد.

هر روز روزنامه اطلاعات‌روز را پشت در منزل‌تان دریافت کنید

	برای ادارات دولتی و شرکت‌ها		Subscribe to Daily Etilaat Roz	
قیمت: ۲۰ افغانی	شش‌ماهه	٤٠٠٠ افغانی	120$ USD	6 Months
	یک‌ساله	۷۰۰۰ افغانی	200$ USD	Annual

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

اطلاعات روز

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
• سردبیر چاپی: م.علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶ • سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی
• مترجم: جلیل پژواک • ویراستار: شیر مهریار • صفحه آرا: رضا مظفری
• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ – ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com
• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ – ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

دوشنبه | ۷ میزان ۱۳۹۹ | سال نهم | شماره ۱۹۹۱
Monday | 28 September 2020 | Year 09 | Print 1991

لطف‌علی سلطانی
گزارشگر

افزایش استفاده از دوچرخه پس از قرنطین؛

خانم‌ها و آقایان کنار هم رکاب می‌زنند

توقف فعالیت‌ها از جمله ترانسپورت عمومی در شهر و به دنبال آن کاهش بی‌پیشینه‌ی آلودگی هوا در روزهای قرنطین باعث شد که خیلی‌ها از جمله حمید عمر دوچرخه بخرند و کلافگی و وضعیت روحی ناخوشایند ناشی از قرنطین را با دوچرخه‌سواری رفع کنند .

حدود پنج ماه پیش که کابل قرنطینه اعلام شد، حمید دوچرخه خرید. یکی از عواملی که به حمید انگیزه داد به دوچرخه‌سواری روی بیاورد، پاکی هوا بود. او سپس یک گروه کوچک دوستانه تشکیل داد که گاه و ناگاه در ایام قرنطین در شهر دوچرخه‌سواری می‌کردند. بعدا که آنان عکس‌هایی از جریان دوچرخه‌سواری‌شان را در شبکه‌های اجتماعی همگانی کردند، به تعداد دوچرخه‌سواران در گروه اضافه شد و حالا شمارشان به حدود ۱۸۰ نفر می‌رسند.

مدیریت ترافیک شهر کابل هم تأیید می‌کند که پس از شیوع ویروس کرونا و وضع قرنطین و در نهایت توقف ترانسپورت عمومی شمار دوچرخه‌ها در شهر به‌صورت چشم‌گیری افزایش یافته است. خان‌محمد شینواری، مدیر ترافیک شهر کابل به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید بررسی جریان ترافیک کابل در این اواخر نشان می‌دهد که گشت‌وگذار بایسکل در سطح شهر، نسبت به هر زمانی در گذشته افزایش یافته است.

مدیر ترافیک کابل می‌گوید برعلاوه قرنطین، منع گشت‌وگذار موترسایکل‌های بدون مجوز به‌دلیل مسائل امنیتی هم روی افزایش استفاده از بایسکل تأثیرگذار بوده است: «خیلی‌ها که قبلا موترسکلت‌های بدون جواز داشتند، به‌دلیل این‌که از سوی پولیس ترافیک متوقف می‌شد، موترسکلت‌های‌شان را گذاشته و بایسکل گرفته‌اند.»

حمید می‌گوید هدف دوچرخه‌سواری او و گروهی که او در آن عضو است ضمن تفریح و ورزش، ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری به‌ویژه عادی‌سازی دوچرخه‌سواری بانوان در شهر است: «هدف ما از این کار این است که دست‌کم بایسکل‌رانی ترویج شود. ابتدا ما با یک گروه کوچک این کار را آغاز کردیم. بعدا کم‌کم به تعداد ما اضافه شد و حالا نزدیک به ۱۸۰ نفر در این گروه عضو هستند.»

براساس معلومات اداره ملی حفاظت از محیط زیست، حدود ۳۰ درصد از آلودگی هوای پایتخت از گشت‌وگذار موترها و به‌خصوص موترهای دودزا ناشی می‌شود.

قاسم رحیمی، سخن‌گوی اداره ملی حفاظت از محیط زیست می‌گوید که ترویج فرهنگ استفاده از بایسکل، دست‌کم می‌تواند در کاهش آلودگی ناشی از گشت‌وگذار موترهای شهری مؤثر باشد.

آقای رحیمی می‌گوید که این اداره در هماهنگی با ورزشکاران و نهادهای مدنی پیوسته تلاش کرده است که شهروندان کابل را به استفاده از بایسکل تشویق کند. او به‌عنوان نمونه به مسابقه چند هفته قبل دوچرخه‌رانی در جاده‌ی دارالامان که در آن حدود ۱۰۰ ورزشکار اشتراک کرده بودند اشاره کرد و گفت که یکی از حامیان اصلی آن برنامه، اداره‌ی ملی حفاظت از محیط زیست بود.

آقای رحیمی تأکید می‌کند که معضل آلودگی هوای پایتخت چندبعدی است و می‌طلبد که هر شهروند در حد توان برای کاهش آلودگی هوا کار کند: «بایسکل‌رانی یک از این موارد است که شهروندان با استفاده از آن دست‌کم سبب کاهش آلودگی ناشی از گشت‌وگذار موترهای که تیل مصرف می‌کنند می‌شود.»

عصمت فرزاد، آموزگار در یکی از مکتب‌های خصوصی در کابل نیز در میانه‌های ماه جوزا بود که تصمیم گرفت دوچرخه بخرد و به‌جای استفاده از ترانسپورت عمومی برای رفت‌وآمد به کار و بازار از دوچرخه استفاده کند. عصمت می‌گوید که دلیل اصلی که باعث شده چنین تصمیمی بگیرد، افزایش آمار بیماران کرونا در پایتخت بود.

عصمت به محض خریدن بایسکل به دنبال گروه‌های آماتور دوچرخه‌سواری برآمد و به‌زودی به یک گروه کوچک ملحق شد. او و تیمش برنامه‌ریزی کردند که جمعه‌ها صبح زود فاصله‌های دور و نزدیک را دوچرخه‌سواری کنند.

طولانی‌ترین سفری که عصمت و گروهش با بایسکل رفته، سفر به «پل صیاد» در ولایت کاپیسا بوده است. پل صیاد از پایتخت ۷۸ کیلومتر فاصله دارد: «بعد از سفر به ولایت کاپیسا که طولانی‌ترین سفر ما با دوچرخه بود، تقریبا به‌صورت منظم هر جمعه تا بند قرغه با بایسکل می‌رویم و برمی‌گردیم.»

عصمت دوچرخه‌سواری در ایام قرنطین را لذت‌بخش و فراموش‌نشدنی توصیف می‌کند.

شیوع ویروس کرونا و به دنبال آن وضع قیود گشت‌وگذار در شهرها زندگی را از روند معمول آن خارج کرد. اکثر فعالیت‌ها متوقف شد و شهر خلوت. حتا پس از آن‌که قیودات کم کم برداشته شد، اکثر کارها رونق گذشته‌اش را ندارد. در این میان اما کار دوچرخه‌فروشان بر خلاف سایر فعالیت‌های اقتصادی، رونق گرفته است.

حاجی زلمی حدود پنج سال می‌شود که در ساحه کوته سنگی بایسکل و قطعات بایسکل می‌فروشد. اما در این پنج سال، هیچ‌گاه به پیمانه‌ی امسال از کارش راضی نیست. او می‌گوید کابل که قرنطین شد، نزدیک به دو ماه فروشگاهش قفل بود، اما پس از آن‌که دکانش را باز کرد کارش رونق گرفت و تا حالا همچنان پررونق است.

حمید می‌گوید در آغاز شمار کمی از اعضای گروه، بایسکل شخصی داشتند و اکثر اعضای گروه به‌ویژه دختران، با دوچرخه‌هایی که امانت می‌گرفتند دوچرخه‌سواری می‌کردند. اما حالا به گفته‌ی حمید اکثر اعضای گروه بایسکل شخصی دارند.

در کابل و دیگر شهرهای کشور به‌دلیل فقر فرهنگی، جاده‌ها و کوچه‌ها برای خانم‌ها امن نیست. زنان با خروج از خانه با انواع خشونت‌های جسمی و کلامی روبه‌رو می‌شوند. در این میان خانم‌های دوچرخه‌سوار بیش‌تر مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. این ناهنجاری اجتماعی استفاده از دوچرخه را برای خانم‌ها دشوار کرده است.

حمید می‌گوید که پس از آن‌که گروه دوچرخه‌سواری آنان شکل گرفت، خانم‌های زیادی علاقه‌مندی نشان دادند که به گروه آنان بپیوندند، اما چالش‌های مثل جرایم جنایی و فقر فرهنگی مانع آنان شده است.

به‌رغم تمام این چالش‌ها، به گفته‌ی حمید ۴۰ درصد گروه بایسکل‌سواری را که او در آن عضو است خانم‌ها تشکیل می‌دهند. صاحبه، همسر حمید یکی از خانم‌هایی است که در این گروه عضو است.

دوچرخه‌سواری برای صاحبه حالا به فعالیت عادی روزانه تبدیل شده است. پیش از آن‌که شهر کابل قرنطین شود، صاحبه و چهار خانم همراهش با موتر به دانشگاه می‌رفتند، اما حالا که دانشگاه‌ها باز شده است، او و همراهان خانمش با دوچرخه به دانشگاه می‌روند: «با موتر حمله فسخ قرارداد کردیم.»

دوچرخه ضمن این‌که صاحبه را از پرداخت کرایه موتر بی‌نیاز کرده، ترافیک سنگین و عذاب‌آور کابل را نیز از دوش او برداشته است. او می‌گوید فاصله‌ای که او قبلا از خانه تا دانشگاه که با موتر در ۴۵ دقیقه طی می‌کرد حالا در نیم ساعت با بایسکل می‌رود: «با بایسکل حدود نیم ساعت از وقتم صرفه‌جویی می‌شود.»

صاحبه به‌رغم چالش‌های فراوانی که دوچرخه‌سواری دارد، این کار را مفید می‌خواند و مشتاق است که آن را ادامه دهد. گروه ۱۸۰ نفری که صاحبه و حمید در آن عضو هستند هر جمعه صبح زود تور دوچرخه‌سواری راه‌اندازی می‌کنند و جاده‌های خلوت شهر را رکاب می‌زنند.

عصمت فرزاد هم با وجود نزدیک‌بودن محل کارش، فعلا بیش‌تر اوقات با دوچرخه به کار می‌رود و در ضمن برای رفت‌وآمد به شهر نیز از آن استفاده می‌کند: «استفاده از بایسکل جدا از مسأله به صرفه بودن آن به‌لحاظ اقتصادی، در کاهش آلودگی هوا و محیط زیست نیز نقش مهمی دارد. خوشبختانه در این اواخر استفاده از بایسکل در میان دانشجویان و کارمندان ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی بیش‌تر شده است.»

صاحبه و همسرش، حمید – عکس: ارسالی به اطلاعات روز

> دوچرخه‌سواری برای صاحبه حالا به فعالیت عادی روزانه تبدیل شده است. پیش از آن‌که شهر کابل قرنطین شود، صاحبه و چهار خانم همراهش با موتر به دانشگاه می‌رفتند، اما حالا که دانشگاه‌ها باز شده است، او و همراهان خانمش با دوچرخه به دانشگاه می‌روند: «با موتر حمله فسخ قرارداد کردیم.»